

لحاظ تکمیل گردد . حالا اگر يك نگاه سریع به آرشیو روزنامه‌ها و دیگر انتشارات خود بیفکنیم میبینیم که در برخی از موارد ، خود ما همه‌ی این اجزا مخبر را با صداقت و دقت هرچه تمامتر پهلوی هم چید و برایگان در اختیار دشمن گذاشته‌ایم !

مثلا در یکجا نوشته بودیم : "دیروز ۰۰۰۰ آقای دکتر ۰۰۰۰ در طی يك سخنرانی دو ساعته که در سالن دانشگاه ۰۰۰۰ ایراد کرد از اقامت نامحدود دانشجویان ایرانی در کشورهای خارج انتقاد نمود و آنانرا بپارزگشت بهمین و شروع انقلاب مسلحانه تشویق کرد . " چنانکه میبینید ما در اینجا لقمه را جوید و با دست خود بدان دشمن فرو کرد ه ایم !

در جای دیگر ، جریان انتخابات کنگد را سیون را با "شرح وتفصیلات" کامل ذکر کرده و اساسی هیئت د بیران جدید را بدست داد ه ایم و با چنین کار غیر لازمی فریاد برآورد ه ایم که "عسس" بیامرا بگیر ! ! " و حال آنکه نوشتن اینکه آقای الف بسمت د بیر فرهنگی و آقای ب بعنوان د بیر امور مالی برگزید ه شد ه است بهیچوجه لزومی ندارد و هرگز رد یرا هم از ما د نمیکنند ولی بالعکس از نظر دشمنان ما ، يك خبر مهم (آنهم از نوع مستند آن) بشمار میرود .

چاپ کردن عکس براندازان (با ستثنای قهرمانان شهید و بارهبران شناخته شده ی جنبش) و یاد کردن تعداد شرکت کنندگان در جلسات ، نام سخنرانان ، ریزار قام بود چه همه از این قبیل است . از همه مهمتر گزارش کنگره ها و سمینارها است که در آن اجباراً از مطالبی چون : خط مشی ، استراتژی و تاکتیک ، اختلافات داخلی نقاط ضعف سازمانی ، برنامه ها - روشهای کار سخن بهمان میآید و بهمین دلیل نیز برای دشمنان ما دارای اهمیت بسیار میباشد .

چنانکه میدانید در برخی از این گزارشها ما بسختی از خود انتقاد کرده و در ضمن آن نیز گاهی رازهایی برملا ساخته ایم که برای آگاهی از هر يك از آنها دشمن باید مدت ها وقت صرف کند . برای آنکه نمونه ای از این گنج های باد آورده از نظر دشمن را ، بدست داده باشیم ، چند فراز از گزارش یازدهمین سمینار کنگد را سیون را در زیر میا و ریمود اوری در باره ی آنرا بخود شما واگذار میکنیم :

" ۰۰۰۰۰۰ معلوم نیست میان آنچه در بخش انتشارات و بخش بین المللی و یا بخش تشکیلات در ضمن سال "پیاده میشود چه رابطه ی مستقیمی وجود دارد . عدم وحدت در محل اقامت هیئت د بیران نیز باین مسئله کمک میکند . در کنار این تشکیلات ، فد را سیونها نیز هر کد ام برای خود کنگره تشکیل میدهند و د بیران انتخاب میکنند و کلیه ضعفها ئیکه در مورد کنگد را سیون بیان شد در آنجا نیز د ريك چارچوب محدود تری جلوه گر میشود ."

"با ضافه این مطلب که بازیک رابطه ارگانیک ، آنطوریکه خواست ما باشد ، بین د بیران فد را سیون ها و د بیران کنگد را سیون موجود نیست . در مدت د و سالی که افتخار د بیر کنگد را سیون را داشتیم از هیچ فد را سیون " (بجز فد را سیون آلمان) بیش از د و سه نامه دریافت نکردم . ارگانی مانند شورای عالی درست کرده ایم که بهیچوجه قادر بآنجا م فونکسیون خود نیست و شاید تعداد زیادی از اعضای کنگد را سیون حتی اسمی از آنها هم نشنیده باشند . این حالت بخوبی روشن مینماید که ارگانهای رهبری ما آنطوریکه باید و شاید قادر نیستند آن نقش را که ما در تصور داریم ایفا کنند . این مسئله ربطی بیک هیئت د بیران فد را سیونها و یا کنگد را سیون ندارد . يك ضعف تشکیلاتی است و آغاز مانیکه ارگانها نتوانند فونکسیون واقعی خود را ایفا نمایند نقش ترمز کنند ه اختیار میکنند یعنی تبدیل بارگانهای موروکراتیک میشوند . برخورد انقلابی با این ارگانها چیزی جز از برکناری آنها و ایجاد ارگانهای جدیدی که جو بگوی ضرورتها ی جنبش باشند نیست . در ضمن بد نیست باین مسئله نیز اشاره شود که اعضای کنگد را سیون سالیانه برای شرکت در کنگره ها د رحدود پنجاه تا هشتاد هزار مارك خرج میکنند که با توجه ببودجه ضعیف کنگد را سیون و احتیاج حیاتی جنبش به کمکهای مالی ، باید باین مسئله برخورد جدی نمود ."

برای رفع هرگونه سوء تفاهم باید بید رنگ بیفزاییم که مقصود ما از آوردن نمونه ی مورد بحث در اینجا ، خرد گیری بر گویند ه ی مطالب مزبور که با روشن بینی و صراحت و صداقت سزاوار تحسینی بر نقاط ضعف همکاران خود اشاره کرده است و یا بر کسانیکه گزارش سمینار را بصورت جزوه ای سود مند و آموزنده چاپ کرده اند نیست بلکه فقط بر نحوه ی توزیع آزادانه ی آن که ناشی از همان روش زیانبخش کم بهادادن بدشمن است میباشد .

در اینجا طبعاً این پرسش میان می‌آید که در چنین مواردی چه باید کرد ؟ ناگفته پیداست که ما نمیتوانیم و نباید از برگزاری سمینارها وکنگره‌ها ویا انتقاد از خود که لازمه‌ی پیشرفت وپیشبرد کارهاست ویا چاپ گزارشهای مزبور خودداری کنیم. همچنین هرگز نباید درباره‌ی لزوم حتمی علنی بودن جلسات دانشجویی که محل بحث و تبلیغ و برخورد آرا و عقاید مختلف است کمترین تردید یا خود راه‌بد همیم بلکه باید به‌نگام چاپ وپخش گزارشهای خود بدونکته‌ی زیر که حد اقل پنهانکاری در اینگونه موارد است توجه داشته باشیم :

نخست اینکه بطور کلی از گفتن و نوشتن هر مطلبی که برای ما سود چندانی نداشته و برعکس بدرد دشمن بخورد بپرهیزیم و دیگر آنکه گزارشهای مزبور را بتعداد محدود و معین چاپ کرده و فقط يك يا چند نسخه‌ی شماره‌گذاری شده از آنها بپريك از فد راسیونها ویا سازمانهای دانشجویی بفرستیم تا علاقه‌مندان بتوانند آنرا در داخل سازمان و بطور دسته‌جمعی مطالعه و بررسی کنند. وچاسوسان دانشجونمایان ساواک فرصت زدند ویا عکسبرداری از آنها داشته باشند.

روشنهای احتیاطی یاد شده در بالا ناشی از این اصل مسلم برانداز است که : " کار دشمن را نباید هرگز آسان کرد." اصل مورد بحث همیشه و بی‌پرده در شرایط کنونی کشور ما و برای کسانی که در برابر يك ارتش بس بزرگتر و مجهزتر فرار گرفته‌اند دارای اهمیت حیاتی و فراوانست و نادیده گرفتن آن زیانهای کمر شکن و خردکننده‌ای بار خواهد آورد.

در باره‌ی برخی از نمونه‌های شفاهی اینگونه مددکاریها و کلهکهای ناآگاهانه مانند دادن شماره‌ی تلفن و صندوق پستی و نشانی خانه ، پیش از این اشاراتی کرده‌ایم . نمونه‌های دیگر و ظاهراً بی‌زیان آن که متأسفانه رواج بسیاری هم دارد ، گفتگودر باره‌ی اوضاع خانوادگی و مالی و روحی - روابط دوستانه ، سرگرمیها - چگونگی گذراندن تعطیلات آخیرهفته - محل پارک کردن اتومبیل - انتقاد از این و آن و چیزهایی از این قبیل است که هرکدام از آنها میتواند فوائد کثیری بدشمن داشته باشد . مثلاً چنانچه دشمن شماره‌ی تلفن شما را بداند میتواند گاه و بیگاه شماره‌ی مزبور را گرفته و بدینوسیله از بودن یا نبودن شما در خانه آگاهی پیدا کند ویا از گفتگو با کسی که گوشه‌ی را بر میدارد چیزهایی بفهمد و حدسهای بزند و این کار نیست که یکی از ما موران ساواک درلندن درباره‌ی یکی از همکاران ما میکرده‌است (درباره‌ی استفاده - و یا سوءاستفاده‌های دیگر از تلفن بعد از صحبت خواهیم کرد) . دادن آدرس پستی باین و آن نیز کار زیان آور است زیرا هرکسی بتنهاهی و یا با اندك کمکی از سراید ارسا ختمان میتواند پناهمه‌های آن دسترسی پیدا کرده و پس از خواندن و بهره‌برداری از آن مجدداً آنرا بشترجا پیشرنگذارد و این کار نیست که مدتها در باره‌ی بختیار میگردند و امروزه هم در مورد همسران و تن از نخست وزیران اسبق درسویس میکنند !

دوم - پنهان کردن بدشمن !

یکی دیگر از مظاهر دشمن‌کامی ، بزرگی (و یا بزرگتر) انگاشتن خصم است که خود را غیبه‌ی برآورد های نادریست و گزافه‌آمیز از نیروها و امکانات اوست که سبب ایجاد یاس و بدبینی و ناامیدی و در نتیجه بیسود و یا غیر موثر پنداشتن اصول پنهانکاری و پنهان‌نژوهی در میان براندازانست . چنانکه بیاد دارید ، پس از کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد ، دشمن زخم‌خورد و کینه‌توز ما با بیرحمی و شتاب فراوان دست بکشتار میهن پرستان و آزاد یخواهان کشور زد و تا آنجا که میخواست "برید و برید و شکست و بیست" . متأسفانه خود ما هم در آغاز کارودر آن روزها نیده‌ی اثر آن ضربه‌ی سنگین و گویج‌کننده تعادل خود را موقتاً از دست دادیم و پیمانماندیم که کارها ، تهمت زدنها و انشعابهای پراکنده‌ی ساز خود پیروزی دشمن کمک کردیم و همه‌جا را بزرگتر و تواناتر از آنچه میبود انگاشتم و بر ما آن رسید که همه‌میدانیم !

نتیجه‌ی همه‌اشتباهات و برآورد های نادریست این شد که غریبت ترس و بدبینی و ناامیدی در کشور ما سایه‌گسترده‌ی تا چندان سال ما را از کوشش و تکاپوی سازنده و موثر بازداشت . ناگفته پیداست که چنین پدیده‌های دشمن‌مارا ساخت مغرور و شادمان نمود و دستگامهای وسیع تبلیغاتی و نیز چنانکه انتظار میرفت از چنان اوضاع نا بسامانی بهره‌برداری بسیار کرد و از هنر قریبی برای درهم شکستن روحیه‌ی پایداری مردم موافشاندن تخم یا سرد میان آنان سود جست . کار سازمان "امنیت" رفته‌رفته به جایی رسید که خود را قادر مطلق ویکه‌تاز میدان و آگاه از همه‌ی اسرار دانست بطوریکه بعدها با غرور بسیار داریکی از ادارات خود بخط جلی نوشت :

" گریب سرخاشاك يكي پشه بچنبد جنبیدن آن پشه‌عیان در نظر ما است ! "

این درست همان سیاست، مبرورانه‌ای بود که سالیان دراز، اربابان انگلیسی آن سازمان، بکمک ایادی فرومایه و زر خرید خود در ایران اعمال کرده‌اند تا آنجا که بنا بگفتای "اگر برگردد ما وند برف نیاید شایع میشود که دار انگلیسها ست" (۱) و ما خود نیک میدانیم که از رهگذر اینگونه اندیشه‌های دشمن شادکن چه لطامات و صدمات جبران ناپذیری بر مردم ما پسران رسیده‌است. بد بختانه امروزه هم به نشانه‌هایی از این کج اندیشه‌ها و پراورد‌های زیانبار در باره‌ی ساواک بر میخوریم. بگذرید برای نمونه آنچه را که خود دیده‌ و شنیده‌اید را اینجا بیاوریم:

چند سال پیش در یکی از جلسات کنگره‌ی سالانه‌ی سنندج راسیون، یکی از دانشجویان مقیم آلمان دوست خود را که از کشور دیگری بدینجا آمد، بود و در فاصله‌ی چند متری و نشسته بود با صدای بلند بسوی خود میخواند و از او میخواست که نزد او رفته و پهلوی او بنشیند. پس از پایان جلسه‌ی مزبور، وقتی با او تذکره داد شد که "چرا رفیقت را با صدای بلند صدای زدی و حال آنکه در صورت لزوم میتوانستی با نزدیک شد و پیش او بنشینی و یا آنچه را که میخواهی آهسته در گوش او بگویی" پاسخ داد که موجب شگفتی و تاسف بیشتر ما شد. او گفت: "ای بابا! اولاً این جلسات آزاد است و همه‌ی ما آیند، مسلمانان و اکیه‌ها هم توی ما هستند و اسم همه را میداند و تازه اگر هم ندانند، از سرپرستی میگیرند! ثانیاً من که چیزی نگفتم، فقط از او خواهش کردم که بیاید و پهلوی من بنشیند! ناگزیر برای توضیح دادیم: "درست است که این جلسات عملاً آزاد است و همه‌ی ما آیند و ممکنست تنی چند از ما و اکیان هم در میان ما بر خورد باشند معیناً هیچکدام از اینها دلیل این نمیشود که خود ما هم با آن کمکم کنیم. چه‌اولاً معلوم نیست که جاسوسان ساواک اسم کسی را که از کشور دیگری بآلمان آمد، است بداند و ثانیاً آنست که اسمی تو بود و دست تو بطور جدی اگر چه جز اینست که از راه پطی و دستاوردی شما بایکدیگر نیز اطلاع پیدا کنند." خوشبختانه همین تذکره کوتاه و ساده‌ی دانشجوی مزبور را قانع کرد و از آن تاریخ بیخود بیشتر مواظب تماسها و صحبت‌های خود با سایرین بود.

نمونه‌های دیگر به یاد آمدن بدشمن از برآورد‌های سطحی و بدبینانه‌ی برخی از افراد در باره‌ی امکانات وسیع تبلیغاتی مالی و فنی و پرسنلی و بویژه قدرت ظاهری و چشمگیر سازمانهای نظامی و اطلاعاتی و بیرحمی و خون‌آشامی گردانندگان آن از یکسو و علاقه‌ی امپریالیسم در دفاع از سرمایه‌گزارها و "منافع" و "منطقه‌ی نفوذ" خود و حفظ "وضع موجود" از سوی دیگر ناشی میگردد. بیشتر افراد یکچنین میاندیشند از کسانی هستند که با بخود و نیروی لایزال خود ایمان ندارند و ناخودآگاه میکوشند برای سستی و تنبلی خود محملی بتراشند و یا اینکه در رسپهای تاریخ را فراموش کرده‌اند و نمیدانند که سه‌په‌روزی در هیچ انقلابی هرگز آسان و برابریان بدست نیامده و نخواهد آمد. همه‌ی انقلابیون راستین و متکی بتوده‌های مردم در آغاز کار خود با شرائط بسیار سخت و دشواری روبرو بودند و مجبور شدند با دشمنانی بس نیرومند تر از خود به پیکار بپردازند. همیشه یک گروه اندک از آزاد بخوانان و جانبازان کشور با توشه‌ای ناچیز از افزارهای جنگ و فقط با انگه‌ی شور و ایمان انقلابی خود پا بپیدان میگذازند، قربانیها میدهند، شکنجه‌ها میبینند و شکست‌ها میخورند تا سرانجام موفق میشوند پشتیبان مردم را نسبت بخود جلب نمود و با تکیه کردن بر نیروی روزافزون و پایان ناپذیر آنان بر دشمن مشترک غلبه‌کرد و او را از پای در آورند.

از امپریالیسم و علاقه‌ی او بدفاع از سرمایه‌گزارها و حفظ رژیم ارتجاعی کنونی نیز نباید هراس داشت. تجارت بدست آمد در رویتنام و کشورهای دیگر نشان داده‌است که امپریالیسم سخت آسیب پذیر و گریزناست!

افسانه‌ی گمراه‌کننده‌ی "وضع جغرافیائی" و یا آنچه روزی نامه‌نویسان مزبور و هوا مغریب د ولتی از آن با اطمینان خاطر بعنوان "موقع استراتژیکی" خاص ایران نام میبردند و کودکانه‌ی بداندل خوشداشتند نیز برای همیشه بر باد داده شده است. گروه اندکی از پارتیزانهای کوبا بمردمدنیان ثابت کردند که هر وقت توده‌های آگاه و ایمان بها خیزد و از جان و دین بکوشد که بر امپریالیسم و "سگهای زنجیری" آن غلبه کند و راهش را هم بداند بزرگترین قدرتهای نظامی و مالی و تبلیغاتی جهان حتی در نمود میلی مرزهای خود نیز نمیتوانند از آن جلو بگیرند! کسانی که جزا بر می‌یابند و به رژیم کنونی ایران که پیراتب از دولت آنروزی کوبا ارتجاعی تر و فاسد تر و غیر قابل ترحم تر است پُریها میدهند فقط بتضعف و سستی و بی‌ایمانی خود صحه می

گذارند و دانسته یاند انسته نقاط ضعف بسیار آشکار دشمن و امکانات فراوان خود را برای بسیج کردن توده ها نادیده میگیرند و خواست همیشگی آنها برای بوجود آوردن ایرانی آباد و مردمی آزاد و سرافراز زیاد میبرند . آنچه مایه امید و اریست و مانوید پیروزی میدهد اینست که بررغم همه ی وحشیگریها و بگیروبیند های رژیم ، نیروی براندازان کشور همچنان رو با افزایش است و پیروزی نهائی ما برد دشمن چون فردائست که خواهد آمد و هیچ قدرتی نمیتواند از آن جلوگیری . این موضوعیست که ما باز در باره ی آن سخن خواهیم گفت .

سوم - ندهانکاری

کمهکهای ندهانسته ای که تا بحال بعلمت نا آگاهی از اصول پنهانکاری و براندازی ویانا دیده گرفتن آنها بدشمن شده بسیار میباشد و ما در ضمن گفتارهای خود تاکنون بیروخی از آنها اشاره کردیم و از این بعد نیز هر جا که لازم بدانیم همین کار را خواهیم کرد . ندهانکاریهای مزبور یا ناشی از نادیده گرفتن اصول مقدس مائی پنهانکاریست مانند بهگزینی ، مرز بندی ، رازداری و مجموعه دانستنیهای که ما آنها را تحت عنوان " باید ها و نباید ها " در اینجا مورد بحث قرار داده ایم و یا معلول نا آگاهی و ناآشنائی باشگرد های ویژه ایست که مثلا برای گرفتن تماس و رسانیدن پیام و گریز از جنگ دشمن لازم میباشد . نتیجه ی نهائی و بسیار زیان بخش اینگونه ندهانکاریها شناخته شدن و لغزیدن براندازانست که از آن باید با تمام قوا و بهر وسیله ای که ممکن باشد جلوگیری کرد . یکی از نمونه های ساده ی دشمن گامی ، شرکت در تظاهرات استورا هیما نیسا بدون پوشانیدن سرو صورت است . برخی از یاران ما که مورد بازجویی دشمن قرار گرفته و عکس خود را به هنگام شرکت در تظاهرات در روی میز آنان دیده اند بدین نکته اشاره کرد و از ما خواسته اند که لزوم استفاده از " ماسک " و در هم شکستن د و ر بین عکاسان غیر مجاز را در اینجا یاد آوری کنیم .

نمونه ی دیگر آن وقتی است که گروهی از براندازان بخوانند بدون گرمی و با چهره ی باز به بانگزی ، حمله و یاد دشمن زبانی بپردازند . چنین اشتباه بزرگ و خطرناکی " طاهرا " (۱) در این اواخر به هنگام بودن " والا گهر شهرام " انجام شده است و خود " والا گهر " را این زمینه میفرمایند : " صورتشان باز بود " (۲) و حال آنکه در چنین مواردی باید حتما سرو صورت را بپوشید و آن پوشیده شده باشد . اینکار نیز خوشبختانه در همه جا و در همه موارد با یک گرم سرب بخوبی امکان پذیر خواهد بود و آن استفاده از جوراب نایلونی زنانه است که میتوان آنرا با سانی و در ظرف چند ثانیه بسرو روی خود کشید . ندهانکاری دیگر و بسیار تاثر آورتر آن اینست که با بندگان فرصت داده اند " والا گهر " زنده بماند و با کمک یکی از " گارد های ساواک " که در پوشش " ماشین پا " مراقب او بود است سلامت جان بدرببرد و بعد ها مصاحبه ی مطبوعاتی تشکیل دهد . حال آنکه چنین غفلتی ، چنانکه در بخش سوم این کتاب خواهیم دید ، برخلاف اصول مسلم و اولیه دشمن ربائی است زیرا در چنین مواردی باید دشمن را زنده گرفت و بمنظور بهره برداری بعدی با خود برد و یا باید او را در همانجا بدون لحظه ای تردد بکشت و از میان برداشت .

و شقی ثالثی هم ندارد چه بگفته ی شاعر :
یا ما سر خصم را بگویم به سنگ
یا اوسر ما به دارسازد آونگ

نوع دیگر از ندهانکاریهای دشمن شادکسن ، بیدار کردن و هشدار دادن با وست و آن بدینصورت انجام میگیرد که مثلا ما با تشکیل " کمیته " بازگشت بمیهن " تاکتیک خود را قبلا آشکار نمود و با اصطلاح دست خود را رو کرد و با شمیم و یا آنکه فرضا بوق و کرنا برداشته و در باره ی لزوم ارسال پیام و پول و اسلحه از طریق " کشور سوم " سرو صداهای پیوند از بهر حال آنکه همه ی اینکارها را با رعایت اصول پنهانکاری نیز میتوان انجام داد ! آنچه باید همواره بیاد داشته باشیم اینست که هر شگردی ، ضدی دارد و وقتی دشمن از تاکتیک و جزئیات کارهای

(۱) - این مطلبی است که روزی نامه ها نوشته اند . در این مورد بتوضیحات قبلی ما (بند لاییشگفتار) توجه داشته باشید .
(۲) - اطلاعات - ۲۷ دیماه - ۱۳۵۰
(۳) - جوراب نایلونی برای خفه کردن دشمن و یا بستن دست و پای او نیز بکار میرود . مزیت دیگر آن اینست که در عین استحکام بسیار سبک است و پنهان کردن آن بهیچوجه اشکالی نخواهد داشت .

ما آگاهی پیدا کرد عامل مهم غافلگیری و خود بخود از میان می‌رود و پیشگیری و یا خنثی کردن کارهای ما برای او به مراتب آسانتر میشود. در این مورد مثالهای فراوانی از گذشته‌ها دید و روند یک سراغ د ایمولی به منظور جلوگیری از اطلاعاتی کلام فقط بذكر نموده‌ی زیر که بسیاری از ما خود شاهد آن بودیم پس میکنیم و سخنان خود را در باره‌ی دشمن‌کامی به پایان میرسانم :

پس از کشف سازمان افسران حزب توده ،

"تشکیلات تهران که در حقیقت مهمترین قسمت تشکیلات غیرنظامی حزب بود و کارهای برجسته و مجرب حزب توده در آن متمرکز شده بودند تصمیم گرفت تماس خیابانی (۱) برقرار نماید و به مجرد اینکه شب فرامیرسید اعضا کمیته‌های محلی در خیابانهای مختلف شهر بر راه افتاد و ملاقاتهای لازم را بعمل آورده و امور حزبی را حل و فصل میکردند . فرمانداری نظامی که بموقع از این تاکتیک جدید مستحضر شد در برابر آن روش اکیپ‌های سیار را به معرض عمل گذاشت . طبق این روش ، اکیپهایی هر یک شامل چند مأمور فرمانداری نظامی با افراد یکه‌کادریهای مهم حزب توده را میشناختند در خیابانها بر راه افتاد و بیگشت پرداختند و بدین ترتیب نتایج بسیار مثبتی بدست آمد و بسیاری از اعضا " و کادریهای مؤثر حزب توده ضمن تماسهای "خیابانی توقیف گردیدند . این موفقیتها مخصوصاً در زمستان سال ۱۳۳۳ بسیار گرانبها بود زیرا در ظرف این مدت قریب هفتاد درصد کادری برجسته کمیته ایالتی و کمیته‌های محلی تهران دستگیر شدند (۲)"

از سخنان خود نتیجه بگیریم :

- ۱ - دست نشانندگان امپریالیسم ، کوششهای براندازی ما را برای خود مبارزه‌ی مرگ و زندگی میدانند و از همین رو نیز با همه‌ی نیرو و بیرحمی خود بر ما خواهند تاخت .
- ۲ - شاه و ارتش ضد ملی اورا ، با همه‌ی نقاط ضعفی که دارند ، نباید با " بپرکاغذی " یکسان دانست و آنها را " حقیر و بیچاره " شمرد .
- ۳ - ما باید از پیربها دادن بدشمن و انجام دادن هرگونه کاری که بسود او باشد جدا پیرهیزیم .
- ۴ - وظیفه‌ی همیشگی ما اینست که دشمن را چنانکه هست - و نه آنچنانکه میخواهیم و میندازیم ، بشناسیم و با واقع بینی انقلابی برای پیروزی بر آن بتلاش برحییزیم .
- ۵ - بمنظور بهره‌برداری درست و بخردانه از گزارشهای ویژه و برخی دیگر از انتشارات خود باید ضوابط دقیق و بی‌زیانی ایجاد کنیم .

(۱) تکیه از ماست .

(۲) سیر کمونیزم در ایران ، ص ۴۷۹ (با توجه به بند ۷ پیشگفتار)

۹- ازمیان بردن آثار جرم

در سحرگاه روز بیست و یکم مرداد ۱۳۳۳ یکی از پاسبانان تازه کار شهر بانی ، ضمن گشت روزانه ی خود در خیابان جمال الحق مردی را دید که چمدان چرمی و کهنه ای را بسوی جیبی که در کنار خیابان پارک شده بود حمل میکرد . سنگینی چمدان باندازه ای بود که توجه پاسبان مزبور را که از آغاز خدمت خود تا آنروز کسی را دستگیر نکرده بود جلب نمود و بهمین دلیل نیز پس از اندکی ترددید با و فرمان ایست داد . مرد چمدان بدست ناگهان چمدان را بزمین انداخته و با بفرار گذاشت اما نتوانست ازدست پاسبان مزبور که با میدکشف تریاک و گرفتن پاداش نقدی ، سوت کشان و فریاد زنان بپسه دنبال او میدوید بگریزد . اندکی بعد مرد فراری دستگیر شد و بدینسان مقدمه ی گرفتاری و کشتار بسیاری از همزمان و یوبالنتیجه از هم پاشیدگی و شکست سازمان نظامی حزب توده فراهم گردید . (۱)

اسناد و مدارکی که از چمدان مزبور بدست آمد عبارت بودند از : (۲)

" کروکی کاخ سعد آباد که کلیه راههای داخل و خارج آن مشخص و تعداد گشتیهای اطراف کاخ و آرا بهای
 " جنگی آن معین گردیده - کتابچه چاپی برنامه حزب منحل شده - کتاب خطی برای مرحله کنونی از تکامل اجتماعی
 " کشورما - عکسهای اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در مسافرت آمریکا - " یکی دیگر از حافظین بیفیه اسلام
 " کتاب قطور تحت عنوان " خاندان فاسد رضا خان " - لغاف بسته پستی که از مسکو بنام موسسه تجارتی اتحاد
 " جماهیر شوروی رسیده است - صورت اسامی در جبهه ایران و افسران و نشانی کامل منازل آنان در قسمت های مختلف
 " و یادگانهها - تعدادی تراکت حزبی - دو سه بسته قبض اعانه حزب منحل حزب توده " (۳) باضافه ی -
 " ۱۰۴ جلد کتاب خارجی مربوط بر رژیم کمونیسم و ۲ جلد مجله خارجی بزبان روسی و ۸ جلد دفتر سفید و بیک
 " دفتر تعلیمات نظامی و چهار عدد نقشه اروپا و آسیا و ۱۰۶ برگ جنبه ملی مبارزه با ملی کردن صنعت نفت و ۲۶۵
 " برگ کاغذ مربوط به سرمقاله های روزنامه های دست چپ و شش بسته روزنامه های مردم و مظهر و روزم و یک جلد دفتر
 " یکساله روزنامه مردم و ۱۱ برگ نشریه حزب توده و ۳ برگ گواهی نامه و فرمان دانشکده افسری و ۰۰۰۰۰۰ چهار
 " قطعه عکس انفرادی و دسته جمعی و ۱۰ برگ گراور خارجی مربوط بتمثال اعلیحضرت همایونی و یک رساله مسائل
 " شطرنج و یک برگ شناسنامه شماره ۸۶۱۲۷۵ سفید و دیگری بشماره ۸۹۷۲ مربوط به یوسف رحمتیان که
 " عکس ابوالحسن عباسی بآن الحاق گردیده و یک پاکت محتوی اوراق و دستورات و نوشته جات دستنی و علامات
 " مستعار و اسامی افراد حزب منحل توده " (۴)

از عواقب این " کشف ناگهانی که بگفته خود د ولتیان چیزی جز " شانس " و " تصادف محض " نبود همه آگاهی داریم
 و میدانیم که چگونه دستگیری مرد چمدان بدست موجبات " کشف و تلاشی " سازمان نظامی را که " بنحود رزمه ی افتخارات
 حزب " (۵) بشمار میامد فراهم ساخت و چگونه این امر نیز بنوبه ی خود ، از هم پاشیدگی و شکست حزب مزبور را تسریع کرد

(۱) - برای آگاهی بیشتر از چگونگی آن نگاه کنید بمقاله ی : " سرنخی که ایران را نجات داد " مهنامه ی ریدرز د ایجست
 سپتامبر ۱۹۵۳ .

(۲) - به توضیحات ما در بند ۷ پیشگفتار توجه داشته باشید . (۳) - کتاب سیاه . ص ۲۰۰

(۴) - کتاب سیاه . ص ۳۱۰ . (۵) - از قطعنامه پنجم کمیته مرکزی حزب توده ایران .

توضیح آنکه :

پس از دستگیری سروان اخراجی ، ابوالحسن عباسی و تحقیق درباره روابط نامبرده ، سرهنگ ۲ معدوم محمد علی مشیری مظنون واقع میگردد و تحت تعقیب مأمورین قرار میگیرد که در نتیجه دستاد مخفی سازمان افسران تود یکی در خیابان خانقاه و دیگری در خیابان ۲۱ آذر ، کوچه پارس ، مورد سوءظن واقع و بازرسی میشوند .

در منزل واقع در خیابان ۲۱ آذر که تحت اجاره سروان سابق فنی ، اکبر داد خواه بود علاوه بر کشف سند ارك فوق العاده ، ابتدا سروان معدوم اسمعیل محقق ، دوانی و سپس ستوان یکم معدوم منوچهر مختاری گلپا یگانی و ستوان ۳ معدوم هوائی ، اسداله نصیری دستگیر میشوند . این سه نفر از افسران فراری و مورد تعقیب بودند که مدتها مأمورین قوای انتظامی در جستجوی آنها بودند . مدارک مکشوفه و اشخاص دستگیر شده در این منزل کمک بزرگی بکشف سازمان افسران تود نمود و راه را برای شناختن کلیه اعضای این سازمان آماده ساخت . در منزل واقع در خیابان خانقاه نیز که با سمههتند س معدوم مرتضی کیوان قزوینی اجاره شده بود مدارک مهمی بدست آمد و همچنین یکی از بیک های مهم حزب منحل تود به نام حسن سید حسینی سبزواری که حامل اسناد بسیار مهمی بود دستگیر گردید . مأمورین فرمانداری نظامی در تعقیب تجسسات بالا منزل سروان معدوم نظام الدین مدنی را نیز بازرسی میکنند و مدارک فراوانی نیز از آنجا بدست میآورند . پس از بهره برداری از مجموعه این مدارک و کشف دفاتر رمز که در چند ان سروان اخراجی عباسی بدست آمد بهیود تمام مشخصات و اسامی اعضا و مسئولین سازمان افسران تود معلوم میشود و جز چند نفر که متواری میگردند بقیه دستگیر میشوند (۱)

اینک که سالها از آن کشت و کشتارها گذشته و دوران داوریم ای ناد رست و شتابزد در باره ی " سروان عباسی " نیز سپری شده است میتوان گفت که او برخلاف آنچه در آنروزها پنداشته میشد - " جاسوس " و یا " مأمور دشمن " نبود بلکه فقط از اصول پنهانکاری بیخبر بود و یا بعلمی که حدس آن چند ان دشوار نیست آنها را نادید گرفت و بگفته ی فرنگیها با گذاشتن همه ی تخم مرغها در یک سبد " خود و دیگران را بخطر انداخت . یاران " متواری " او نیز " پس از بررسی اسناد و مدارک موجود راجع بکشف و تلاشی سازمان نظامی حزب تود ایران " بهمین نتیجه رسید و در این باره چنین فتوی داد هاند :

" پس از آنکه عباسی بر حسب تصادف و در اثر بی احتیاطی گرفتار افتاد ، رهبری حزب باز هم توجه با قدامت احتیاطی (کذا) لازم نکرد و همانا این بی احتیاطیها و دل آسودگیهاست که نقش قاطع در گرفتار افتادن سازمان نظامی ایفا کرده است .

" یکی از اقدامات غلط و کاملاً خلاف احتیاط که منجر به لو رفتن صورت اسامی و مهمترین اسناد در بیرخانه سازمان نظامی گردید و در دوران پس از گرفتار افتادن عباسی انجام گرفت عبارتست از بازگرداندن اسناد بد بیرخانه سازمان نظامی .

" پس از کشف اسامی اعضا سازمان نظامی ، هیئت اجراییه حزب در پنهان کردن و حفظ افسران بازداشت نشد و سهل انگاری نمود و در نتیجه عد های آنان گرفتار شدند " (۲)

چنانکه دیده میشود در مثال بالا چند پناشته صورت گرفته و هرکدام از آنها مقدمه ی ندم کاریهای دیگر شده و سرانجام ببازداشت عد های زیاد ی از افراد و رهبران حزب که چون حلقه های زنجیر بهم پیوسته بودند منتهی گردیده است . بسیاری از بازداشت شدگان نیز بعد آبا کمکی و راهنماییها نیکه ، دانسته یا ندانسته بزند انبانان خود کردند تیشه بریشه ی خود

(۱) - کتاب سیاه ص ۱۳ - ۳۱۱

(۲) - بنقل از : قطعنامه پنجم کمیته مرکزی حزب تود ایران درباره کشف و تلاشی سازمان نظامی حزب (ص ۳۷۸) : اسناد تاریخی جنبش کارگری سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران ، انتشارات مزدک ، شماره ۸ ، دسامبر ۱۹۷۰

زد هواندکی بعد در برابر جوخه‌ی آتش قرار گرفتند !

هدف ماد را اینجا بررسی نتایج ناشیه از این " تصادف " بخصوص نیست بلکه میخواهیم آنرا بعنوان يك نمونه مستند و تاریخی مورد بررسی قرار دهیم و ببینیم اینگونه " تصادفها " چرا بوجود می‌آیند و تا چه اندازه اجتناب پذیر هستند. برای این منظور بهتر است نخست افزارها و نشانه‌های براندازی و یا آنچه را که جرم شناسان دولتی " آلات و ادوات " و " آثار جرم " مینامند تعریف کنیم :

مقصود ما از افزار براندازی هرگونه وسیله ، مدرک ، یا چیزیست که از نظر دشمن ، دال بر فعالیت‌های " مضره " براندازان باشد مانند جنگ افزارهای گوناگون، اسلحه ، مواد منفجره ، هر نوع نقشه ، کروکی ، نوشته ، کتاب و مدرکی که بتواند بعنوان دستاویز و پنهان‌های مورد استفاده دشمن قرار گیرد ، نامه ، دفترچه یادداشت ، نشانی و شماره‌ی تلفنی ، ماشین پلی‌کپی ، ماشین تحریر و نوآرآن ، کاغذ کپی ، دوربین‌های عکاسی ، وسایل کوهنوردی کتاب رمز ، ماشین رمز ، آزمایشگاه‌های شیمیائی ، مرکب‌های نامرئی و کارگاه‌های مکانیکی و غیره و منظور از نشانه‌های براندازی ، آثار و نشانه‌هاییست که در حین انجام دادن يك عمل براندازی و یا با اصطلاح جرم شناسان " در حین ارتکاب جرم " از براندازان برجای میماند و یا بنحوی ، توجه دیگران را جلب میکند مانند اثر انگشت ، (ویاد استکس) جای پا ، جای دندان ، لکه‌ی خون ، تار مو ، کرک و اشغال توی جیب ، حروف اول نام یا نام خانوادگی که برخی از افراد روی انگشتر ، سنجاق کراوات ، کیف دستی و یغلی ، چمدان ، سگک کمربند خود میکنند و یا بر روی دستمال و توی کلاه (۱) خود میدوزند، نوع اتومبیل ، اثرلاستیک و شماره‌ی پلاک آن و بسیاری از رد پاها و " سرخ " های دیگر. چنانکه پدید می‌شود افزارها و نشانه‌های یاد شده در بالا همه از يك قماش نیستند. برخی از آنها مانند جنگ افزارها و مواد منفجره و غیره از لوازم حتمی و بسیار مورد نیاز براندازانست و بدون آنها اصولاً ، براندازی معنا و مفهومی نه خواهد داشت. هر چه دامنه‌ی فعالیت‌های براندازان گسترش پیدا کند ، شماره‌ی جنگ افزارها بیشتر و خطرات ناشیه از آنها برای دشمن نیز افزونتر خواهد شد و طبیعتاً علاقه‌ی دشمن بکسب اطلاع درباره‌ی آنها هم زیاد تر خواهد شد. وظیفه براندازان در اینگونه موارد بسیار سنگین است و باید تا آنجا که عملاً ممکن باشد بکوشند تا از آگاهی و دسترس دشمن بدینگونه افزارها جلوگیری کنند. متأسفانه در این مورد پیشنهاد جامع و مانعی نمیتوان داد. هر يك از گروه‌های براندازی باید بتوانند با رعایت اصل مرزبندی و توجه با مکانات خود و میزان هشیاره‌ی دشمن ، درباره‌ی گرد آوردن و پراکند کردن آنها در جاهای مختلف و همچنین بهترین روش انبار کردن و مطمئن‌ترین وسیله‌ی حمل و نقل آنها تصمیم بگیرند معذالک نکاتی هست که یاد آوری آنها میتواند سودمند باشد .

نخستین مطلبی که یکبار دیگر باید مورد تأکید قرار دهیم اینست که هرگز از آنچه تا کنون گفته ایم نباید چنین نتیجه گرفته شود که داشتن یا گرد آوردن ویادست بدست کردن هر چیزی که بنظر دشمن بد و خطرناک باشد و بعقیده‌ی آنان از " آثار جرم " تلقی گردد مخالف اصول پنهانکاریست. حاشا که چنین باشد ! چنانکه قبلاً نیز گفته شد اینگونه افزارها از لوازمی چون و چرای براندازانست و هر چه تعداد آنها بیشتر و انواع آنها خطرناک تر باشد بهتر است آنها به پایداری رعایت مرزبندی و پایداری همیشه از نزدیک شدن و آگاهی دیگران بآنها مانعت بعمل آورد. نکته‌ی دیگر اینکه همه‌ی کارهای فنی و مکانیکی از قبیل عکاسی ، اداره کردن آزمایشگاهها ، تعمیر و تغییر فرکانس رادیو ، جراحی پزشکی ، چمدانسازی ، دوختن و نیفورم ، جاسازی در اتومبیل (بمنظور حمل و نقل اسلحه) و بنایی (بمنظور پنهان کردن آنها) باید بدست خود براندازان انجام داده شود و گرنه ممکنست خبر آن دانسته یا ندانسته بگوش دشمن برسد. (۲)

(۱) در جنگ جهانی گذشته گاهی اسامی کشتیها و رنگ برخی از قسمت‌های بدنه‌ی آنرا در مسیر راه عوض میکردند و علامت اختصاری آنرا نیز از کلاه ملوانان میکنند تا در صورت اصابت اژدر و غرق کشتی و بر روی آب افتادن کلاهها ، دشمن نتواند از نام حقیقی کشتی آگاهی پیدا کند .

(۲) در سیاست نامه میخوانیم که خسرو (انوشیروان) پس از آگاهی از شماره‌ی چاه‌هایی که بدستور او برای زنده بگور کردن مزدک و یاران او کتد بودند " در بانا نرا فرمود که ... همه را بازدارند و نگهدارند که کسی از ایشان نرود "

بالاخره اینکه هنگام جابجا کردن اینگونه "آلات و ادوات جرم" باید نهایت ابتکار و احتیاط را بعمل آورد. کسانی که مامور حمل و نقل چنین چیزهایی هستند باید در صورت امکان بصورت پیک های د و نفره (زن و مرد) در بیابند و این روشی است که باید حتی المقدور در مورد پیک های دیگر نیز بکاربرد شود. یکی از پیک ها (پیک زن) مامور حمل و نقل و دیگری (پیک مرد) موظف بدیدهبانی و اعلام خطر و دفاع از او در موقع لزوم خواهد بود. گاهی اوقات نیز میتوان اسناد و مدارک مهم و بویژه فاترر مزار در رون جعبه ی مخصوص و طبقه ای که در آن مواد منفجره کار گذاشته شده باشد جاداد تا چنانچه یکی از افراد دشمن (یا هر شخص کنجکاو دیگری که از روش صحیح بازکردن آن آگاهی نداشته باشد) بخواهد آنرا باز کند بلافاصله منفجر شد و شخص مزبور و مزار یکجا از بین ببرد. یکی از روشهای شناخته شده ای که در اینگونه موارد بکار میبرند اینست که بمب در رون جعبه را طوری کار میگذارند که اگر کسی بخواهد آنرا بطریق معمولی یعنی از جلو باز کند سیم انفجار آن خود بخود اتصال پیدا کرده و جعبه را منفجر کند ولی اگر از روش درست بازکردن جعبه اطلاع داشته باشد و مثلاً آنرا از عقب و یا از پهلو و یا از زیر باز کند انفجار پیروی نخواهد داد. همین روش احتیاطی باید در مورد فرستنده های رادیویی که برای ارسال و دریافت پیامهای براندازی مورد استفاده قرار میگیرد نیز بکاربرد شود.

برخی دیگر از "ادوات جرم" مانند روزنامه، کتاب، دفترچه یادداشت و امثال آن، از لوازم حتمی کارهای براندازان نیستند معذالک چنانچه در خانه و یا در جیب براندازان یافته شوند برای دستگیری و متهم کردن آنان کافیست! در مورد کتابها، یکی از زندانیان اوین چنین مینویسد:

"هر کتابی که مضره تشخیص بدهند جمع میکنند مثلاً آثار صمد بهرنگی، آل احمد، نیما، برشت، بویژه گورکی و از این قبیل. در بازجویی از بگوئی این کتب آزاد است، خواهند گفت: میدانیم، ما خودمان آزاد گذاشته ایم که اشخاصی مثل تو شناخته شوند!" (۱)

بنظر ما سهل انگاری در از بین بردن "آثار جرم" و یا حرص در انباشتن کتب و یا جزوات مضره "و ایجاد" بایگانی مرکزی در قلمرو دشمن یکی از خطرناکترین کارها و نا بخشودنی ترین بی احتیاطیهاست. نامه ها و اسناد و مدارک براندازان باید حتی المقدور کم و حتماً پراکنده باشد و پیامهای کتبی را بلافاصله پس از مطالعه و بیاد سپردن مطالب آن سوزانید و از بین ببریم. این اصل است که باید همیشه و در همه جا (چه در داخل و چه در خارج از کشور) و در مورد هرگونه مدارکی که نگاهداشتن آن صد درصد لازم و سودمند نباشد بکاربرد شود. تنها استثنائی که در این باره میتوان قائل شد تهیهی آرشیو "کوچک و پراکنده" از اسناد و مدارک بسیار ضروری و مورد نیاز براندازانست مانند دفترچه رمز، نامه های رمز، اسامی و عکس مأموران ساواک و دیگر دشمنان ملت، نشانی خانه و شماره ی تلفن آنان، کروکی کاخها، سر بازخانه ها، پادگانها، کلانتریها و دیگر سازمانهای ارتشی و پلیسی و هرگونه اطلاع مورد نیازی که بیاد سپردن آنها دقیقاً و با آسانی ممکن نباشد. اغلب مدارک مزبور را میتوان بکاربردن در وربین های عکاسی "مینوکس" و یا "اکساکتا" بسهولت بصورت میکروفیلیم رآورد و در جاهای مختلفی پنهان ساخت. دفترچه رمز و نامه های رمز و اسناد بسیار مهم را نیز چنانچه امکانات فنی مادر داخل کشور اجازه دهد باید با استفاده از دوربین های عکاسی مخصوصی که بعد از توضیح داده خواهد شد بصورت MIKROPUNKT درآورد و از دسترس دشمنان محفوظ نگاهداشت.

برای جابجا کردن و یا سوزاندن و از میان بردن اینگونه "آرشیو" ها در مواقع "اورزانس" نیز باید پیش بینی های لازم را بعمل آورد.

یکی از اشتباهات غیر قابل تصور "سروان عباسی" که در آغاز این گفتار بعنوان نمونه بدان اشاره کردیم همین بود که او این اصل ساده را فراموش کرده و در حقیقت با سباب گشتی پرداخته بود!

او با حمل چیزهایی از قبیل روزنامه - کتاب و اعلامیه و بویژه "لغاف بسته ی پستی" هشت جلدی دفتر سفید و چهار

هدد نقشه اروپا و آسیا و رساله‌ی مسئله شطرنج " که معلوم نیست بچه رد حزب تود میخورد هاست بار خود را سنگین کرد و خویشتن را گرفتار ساخت و با این تدابیر کاری خود ضربه‌ی ناگهانی و خرد کننده‌ی پر حزب وارد آورد .

درباره‌ی سرنخها و هرگونه " آثار جرمی " که در حین انجام دادن کارهای براندازی ممکنست از براندازان برجای بماند آنچه را که چندین بار تاکنون گفته ایم یکبار دیگر تکرار میکنیم و آن اینست که در اینگونه کارها هیچ چیز بی اهمیت وجود ندارد . هرگونه اشتباه و سهل انگاری ، هرچند هم که کوچک و ساده بنماید ، بمنزله‌ی سرنخی مورد استفاده‌ی دشمن قرار خواهد گرفت و بالاخره روزی اثرات زیان بخش خود را آشکار خواهد ساخت . در جرائم عادی چنین اشتباهاتی تنها یک یا حداکثر دو نفر را که در ارتکاب جرمی " شریک " بوده اند بدام میاندازد و نتایج مترقبه بر آن نیز در هر حال محدود خواهد بود ولی در براندازی ، مسئولیت افراد بخود آنان محدود نمیگردد و کوچکترین غفلتی ممکنست عواقب بسیار ناگواری در پی داشته و منجر به دستگیری همزمان و یا " کشف " شبکه‌های دیگر گردد . به همین دلیل است که باید نهایت دقت و احتیاط را بعمل آورد و مثلاً تا زمان اختن ته سیگار و کبریت و تکه کاغذ بر روی زمین و یا جا گذاردن آثار انگشت و تخت کفش و یا نشانه‌های دیگری مانند لکه خون ، تار مو ، کرک لباس ، دکمه و غیره که برای شناساندن براندازان به دشمن کمک کند ، پابستی جدا خود داری گردد . پوشیدن دستکش لاستیکی ، عوض کردن کفش ها (۱) پوشاندن سروصورت در حین کار و یا پاک کردن هرگونه آثاری که ممکنست برجای مانده باشد پس از پایان عمل از اصول مسلم پنهان نگارند در چنین مواردی طبیعاً باید گاهی بفریبکاریهایی هم دست زد مثلاً کسیکه هرگز سیگار را شون نمیکشد و یا از فندک استفاده نمیکند پاکت سیگار را شون و فندک خود را مخصوصاً جا میگذارد (مشروط بر اینکه هیچگونه اثر انگشتی در روی آنها نقش نشده باشد) در هنگام دشمن ربائی چنانچه اتومبیلی که برای این منظور بکار برده میشود از آن دیگران باشد باید دقت شود که هیچگونه اثری بر روی شیشه ها ، درها ، فرمان و یا جاها و یا دیگر آن باقی نماند . چنانچه اتومبیل بخود براندازان تعلق داشته باشد باید شماره‌ی آنرا قبلاً تغییر داد و لاستیکهای آنرا نیز بعد از معنی بلافاصله پس از انجام عمل تعویض کرد و خود اتومبیل را رنگ بزنند و یا دست کم با دقت هر چه بیشتر بدنه‌ی خارجی آن بویژه گلگیرها و سپر آنرا شسته و داخل اتومبیل را تمیز کنند زیرا همیشه این احتمال وجود دارد که برخی از اشیاء خارجی مانند گل و لای و تراشه‌ی چوب و برگ درخت و خزه و تکه‌های بسیار ریز شیشه (در صورت شکسته شدن پنجره هنگام حمله) بوسیله براندازان که در چنین مواقعی معمولاً دست پاچه و شتابزده هستند بداخل اتومبیل منتقل گردد و یا اثر رنگ و خون (در صورت تصادف با اتومبیل و یا برخورد با شخص دیگر) بر روی سپر اتومبیل باقی بماند . آزمایشگاههای جرم شناسی کنونی میتوانند با بررسی و مقایسه چنین سرنخهایی به هویت " مجرمین " پی برد و نقش قاطع و بسیار مؤثری در اینگونه موارد داشته باشند . (۲)

از سخنان خود نتیجه بگیریم :

- ۱ - کارهای براندازان با ایجاد بایگانی و گشاد بازیهای از این قبیل جور در نمیآید و به همین دلیل نیز باید نامه ها و پيامهاى نوشته شده را بلافاصله پس از بهره برداری سوزانید و از میان برد .
- ۲ - چنانچه گاهی بدلیل و بعلل خاصی ، نگاهداشتن برخی از اسناد و مدارک مقتضای ضرورت نظر برسد باید اولاً آنها را در جا (ها) مطمئنی پنهان کرد و وثائقی پیش بینی های لازم را نیز برای مواقع " اورژانس " بعمل آورد .
- ۳ - هنگام جا بجا کردن اسناد و مدارک براندازی باید در صورت امکان از پیک های و نفره استفاده شود .
- ۴ - چنانچه امکان داشته باشد باید کوشش شود که از هر يك از وسایل مورد نیاز براندازان در جای طبیعی خود استفاده گردد مثلاً از وسایل عکاسی در تاریک خانه و از مواد شیمیایی در پستوی اروخانه ها ، و از ماشین پلی کبی در دفتر کار و از افزارهای مکانیکی در کارگاهها . . .

(۱) - پوشیدن جوراب ضخیم بر روی کفش مانع از این میشود که اثر تخت کفش بر روی زمین پاکف اتاق باقی بماند .
 (۲) - برای آگاهی بیشتر کتاب سودمند و پر ارزش : علم ، بهشتین کارآگاه نوشته Lynn Polle را بخوانید .

۱۰- یکنواختی

هریک از ما در زندگی روزانه خود کارهای بسیاری انجام میدیم که پیشتر اوقات یکسان و یکنواخت هستند. طرز نشستن و گفتن و برخاستن و چگونگی خوردن و خواب و آرایش و پیرایش ما همانست که از مدت‌ها پیش بوده است. مسیر حرکت، نحوه یراندگی، نوع روزنامه‌هایی که میخوانیم و فیلم‌هایی که تماشا میکنیم، نوع کاغذ و پاکت و قلمی که در نامه‌نگاریهای خود بکار میبریم و محلی که معمولاً آن‌ها را توی می‌سند و وقت پست می‌اندازیم نیز ممکنست مدت‌ها تغییر نکرده باشد. گاهی نیز بعضی چیزها عادت میکنیم مثلاً فقط یک نوع سیگار میکشیم و لباسهای تیره رنگ میپوشیم و یا از میان رستورانها و کافه‌های بسیاری که میشناسیم فقط یکی از آنها که اصطلاحاً "پاتوق" خود مینامیم میرویم و حتی گاهی فقط در جای معینی مسی نشینیم و چه بسا که همان خوراکیها و یا نوشابه‌های دفعه‌ی قبل را نیز دستور میدیم.

اینگونه یکنواختی‌ها برای کسانی که در برابر دستگاههای پلیسی و سازمانهای اطلاعاتی دشمن قرار گرفته‌اند سخت خطرناک و زیانبار است و هر یک از آنها ممکنست بمثابه سر نخ برای ردگیری و شناسایی براندازان مورد استفاده قرار گیرد. کارآگاهان شهربانی در بسیاری از موارد با دقت کردن در نحوه یرانگاری "جرم" یعنی بررسی عوامل گوناگونی چون: جا - هنگام - افزار کار - شکردها - تعداد شرکت کنندگان و نوع "جرم" بی‌بهره‌یت "مجرم" می‌برند و بهمین دلیل هم هست که به‌گردآوری جزئیات امر در هر مورد و تکمیل پرونده‌ی "مجرمین" توجه خاصی مبذول می‌دارند.

در کارهای براندازی، دقت و هشیاری و آمادگی سازمانهای اطلاعاتی معمولاً بیشتر است و کارمندان آن که از اینانست و قدرت بیشتری برخوردار هستند و گاهی نیز ممکنست انگیزه‌های دیگری چون کینه‌توزی، بدخواهی و یا "ساد" پسم داشته باشند می‌کوشند به هر قیمتی که شده است در اینگونه دست و پنجه نرم کردنها که در حقیقت نوعی مسابقه و "نبرد هوش" بشمار می‌رود بر براندازان پیروز گردند. از همین روست که از هرگونه نقطه‌ی ضعفی در میان براندازان و از جمله یکنواختی در رفتارهایشان بهره‌برداری میکنند. چنانکه شنیدهاید و میدانید بسیاری از پنهانکاران و پنهانپژوهان و حتی جا-وسان و رزیدنتها و کارکنان، جان خود را بزرگترین غفلت‌ها و یکنواختیها گذاشته‌اند. روشها و شگردهای پنهانکاری باید جورواجب و نامعلوم، نامشخص و غیر قابل پیش‌بینی باشد وگرنه بی‌بردن با آنها آسان خواهد شد و عامل مهم فاش‌گیری دشمن از میان خواهد رفت.

یکنواختی معلول عوامل زیر است:

یکم - عادت کردن - که خود یکی از شیوه‌های نادرست و بسیار زیان‌بخش در کارهای براندازیست مانند انتخاب مسیر معین برای رفتن با داره و یا محل کار و یا بازگشت بخانه (آی‌شمن معروف بهمین طریق بد آمدن دشمن را بیان اسرائیلی افتاد).

دوم - احساس اطمینان بیجا! - و آن معمولاً در مواقعی است که کسی يك یا چند بار کار را انجام میدهد و چون با خطری روبه‌رو نمیشود بدان اطمینان پیدا میکند و بالنتیجه از هشیاری خود وقت اود ردفعات بعد کاسته میشود. علت د ستگیری خسرو روزبه در آخرین باری که بدست دشمن افتاد همین آسودگی خیالی و اطمینان بیجا بود! توضیح آنکه چون قبلاً با وجود اطلاع از احتمال خیانت، د و بار دیگر در خیابان قرار ملاقات داشته و از دشمن اثری ندیده بود باین نتیجه رسید که اینبار نیز خطر خاصی اورا تهدید نمیکند. دشمن نیز در همین چنین موقعیتی بود. خسرو

موقعی متوجه جریان اطراف خود شد که دید دشمنان از دوسوی خیابان وارد میان گرفته‌اند (۱)

سومنداشتن حس ابتکار - یکی از مهمترین و واجبتین خصیصه‌های پنهانکاران داشتن ابتکار است . يك ابتکار خوب و بموقع بهتر از صد هاد ستورقالبی و حکیم فرموده‌ی قبلی است زیرا اولاً امکان پیش بینی همه‌ی جزئیات امر در هر مسورد وجود ندارد و ثانیاً کلیدی که بدست براندازان داده شده است نیز ممکنست بهر قفلی نخورد و هر در را نگشاید لذا باید همیشه برای حل اینگونه مسائل پیش بینی نشده‌ی آمادگی داشت . یکی از ایراداتی که در همین زمینه به جاسوسان شوروی گرفته‌اند و میگیرند اینست که آنان عادت کرده‌اند وظایف محوله را همیشه بر حسب دستور قبلی و با اصطلاح " کتابی " انجام بدهند و بهمین دلیل نیز وقتی با وضع تازه و پیش بینی نشده‌ی روبرو میشوند دست و پایی خود را گم میکنند و کمیتشان لنگ می‌ماند !

پیش از این به " تماسهای خیابانی " اعضای حزب توده پس از کودتای ۲۸ مرداد و نتایج ناگوار آن اشاره کردیم و دیدیم که چگونه یکنواختی در ابتکار ، منجر بدستگیری بسیاری از آنان گردید . نمونه‌ی دیگری از این بی‌ابتکازیها که بیشتر مانند انسته انجام داد و امید هیم اینست که مثلاً همیشه از یک جور کاغذ و پاکت و قلم برای مکاتبات خود استفاده میکنیم و طبعاً املاً و انشا آنرا تخیری نمیدهیم . و یا اینکه در جاهای و اوقات معینی بادستان خود قرار ملاقات میگزاریم (مثلاً روزهای سه‌شنبه ساعت شش هر هفته جلوی سینما آتلانتیک !) و یا مرتباً از يك گيوسك تلفن که مثلاً نزد يك خانه و یا محل کار و یا در مسیر راه است استفاده میکنیم . نکته‌ی اخیر یعنی استفاده از تلفن معین در خورتوجه بسیار است . در بعضی موارد مانند دشمن‌ریائی هرگز نباید از يك تلفن پیش از یکبار و آنهم برای مدت بسیار کوتاهی استفاده کرد زیرا در چنین مواقعی همه‌ی امکانات فنی دشمن بسیج میشود و چنانچه گفتگوی تلفنی بیش از پانزده یا بیست ثانیه طول بکشد به پیداکردن محل آن که خود سرخ مهم و سودمندی است کمک بسیار موثری خواهد کرد .

چهارم - تنبلی . یکی دیگر از موجبات یکنواختی در کارهای براندازان ، تنبلیست که خود در بیشتر موارد زائیده‌ی دل آسودگی ، بیخیالی و کمبها دادن دشمن میباشد مثلاً کسی ، اتاق کار و یا خانه‌ی خود را بدو ن آنکه اشیا روی میز را بطور خاصی چید و یا چیزی بعنوان نشانه‌ی درگذاشته باشد ترك میکند و یا در مواقعیکه بدیدارد و ست خود میرود اتومبیل خود را بجای آنکه در خیابان و یا کوچه‌ی دیگری پارک کند درست در جلوی خانه‌ی او نگاه میدارد و یا برای فرستادن پیامهای خود که هر يك باید از طریق جداوله‌ی فرستاده شود از يك وسیله‌ی معین استفاده میکند . نمونه‌ی دیگری آن در دیدارهای پنهانیست . چنانکه خواهیم دید در اینگونه موارد هر يك از دیدارکنندگان باید چند ساعت قبل از وقت ملاقات از خانه و یا محل کار خود بیرون آمد و با یکبار بردن شگردهای " ضد تعقیب " از بودن یا نبودن دشمن در دنبال خود اطمینان پیداکنند . گاهی اوقات ، پنهانکاران این وظیفه‌ی بسیار مهم را فراموش میکنند و مثلاً بعلت آنکه در خواب برخاسته و یا " گرفتاریهای دیگری " داشته‌اند ، فقط اندکی پیش از وقت معین بیاد ملاقات خود میافتند و با اشتنا بزدگی و دستپاچگی بسیار سوار تاکسی شده و بسرعت خود را بمحل ملاقات میرسانند غافل از آنکه دیدبانان و دنبال کنندگان دشمن ممکنست در کمین او نشسته و با دنبال کردن وی خود او و دیدارکننده‌ی دیگر را بدام بیندازند . نمونه‌ی دیگری آن گذاشتن قرار ملاقات در نزد یکی خانه و یا محل کار خود پنهانکارانست . مزیت ظاهری اینکار یکی اینست که کمتر جلب توجه خواهد کرد و دیگری آنکه هر کسی طبعاً محیط اطراف خانه و یا محل کار خود را بخوبی میشناسد و بهمین دلیل نیز بهتر میتواند اشخاص " غریبه " را در آنجا تشخیص بدهد . معذالك اینگونه قرار ملاقاتها دارای يك عیب بسیار بزرگ میباشد و آنهم اینست که عملاً وقت و فرصت کافی برای شناختن افراد " تیم تعقیب و مراقبت " دشمن که ممکنست خود را پیشاپیش در دیدگاه مناسی پنهان کرده باشند وجود نخواهد داشت . بحسبارت دیگر در چنین مواردی دشمن بدو ن آنکه نیازی بتعقیب پنهانکار و روبرو کردن دست خود داشته باشد میتواند کارها و ملاقاتهای او را در و راز " گوشه‌ی دنج " و مطمئنی نظاره کند .

پنجیم - نادیده انگاشتن اصول پنهانکاری - برخی از براندازان در گرما گرم کارهای روزانه خود گاهی دشمن را فراموش میکنند و همه چیزها پیرا که در باره اصول و شگرد های پنهانکاری فرا گرفته اند نادیده میگیرند . نمونه های شناخته شده ای اینگونه نادیده انگاشتن ها معمولاً در کارها نیست که ادامه پیدا میکند و بصورت یک روش همیشگی در میآید مانند فرستادن نامه ها و پیامها از طریق کشور سوم (با مید آنکه سانسورچیان دشمن وقت و حوصله ی بازکردن همه نامه های رسیده از آن کشور بخصوص را نخواهند داشت) و یا مخا بره ی پیامهای رمز با استفاده از کتاب رمز دیک مدت نسبتاً طولانی بدون تغییر دادن آن (بتصور آنکه دشمن هنوز بآن مرحله از هشیاری و آمادگی فنی نرسیده است که بتواند آنها را کشف کند) و یا پخش اخبار و یا فرستادن دستورهای رمز بوسیله رادیو در ساعات معین . نکته ی اخیر باید مخصوصاً مورد توجه قرار گیرد . چنانکه ممکنست شنید باشید ، در جنگ دوم جهانی اینکار رواج فراوانی داشت و بسیاری از جاسوسان کشورهای مختلف نیز از همین طریق بدام افتادند . یکی از معروفترین آنها شبکه ی مشهور " ارکستر سرخ " شوروی بود که در آلمان و بلژیک فعالیت میکرد و ما پیش از این بدان اشاره کرده ایم . (۱) در کشور خود ما نیز طبق آد عسای سخنگوهای دولتی اخیراً نمونه ای از آن دیده شده است و " مقام امنیتی " اشتباه کارگردانان آنرا بشرح زیر برای ما خلاصه کرده است : (۲)

" پس از برقراری ارتباط بوسیله بیسیم با بغداد ، تیمور بختیارد هفته سه روز یعنی روزهای شنبه ، دوشنبه و چهارشنبه ساعت سیزده بوقت تهران بوسیله ی بیسیم با مسئول جنبش و معاون وی تماس میگرفت و گزارشها را مربوط به اوضاع ایران و پیشرفت کارهای جنبش رادیو دریافت و دستورات لازم را صادر مینمود . کلیه مکالماتی که بوسیله بیسیم با تیمور بختیارد بعمل آمد و بصورت مکالمات تلفنی است بطور کامل با ذکر روز و ساعت روی نوار ضبط شده و در سابقه نگهداری میشود که چند نمونه از آنها اکنون پخش میشود " (۳)

از گفته های خود نتیجه بگیریم :

- ۱ - یکنواختی در کارهای براندازی یکی از نقاط ضعف بسیار خطرناک است .
- ۲ - بسیاری از پنهانکاران و پنهانپژوهان ورزید و بکارگشته جان خود را بر سر همین کار گذاشته اند .
- ۳ - یکنواختی معلول عادت کردن ، احساس اطمینان بیجا ، نادانستن حس ابتکار ، تنبلی و نادیده انگاشتن اصول پنهانکاریست .
- ۴ - در کارهای براندازی ، یک ابتکار خوب و بموقع ، از صد ها دستور قالی و حکیم فرموده ی قبلی بهتر است .
- ۵ - روشها و شگرد های پنهانکاری باید جورواجور ، نامعلوم ، نامشخص از نظر دشمن غیر قابل پیش بینی باشند .

(۱) - برای آگاهی بیشتر کتاب زیر را بخوانید :

Flicke, W.F. Spionagegruppe Rote Kapelle, Kreuzlingen, 1953

(۲) - بتوضیحات مادر بند ۷ پیشگفتار توجه کنید

(۳) - کیهان - چهارشنبه دوم میماه ۱۳۴۹

۱۱- راه‌های اضافی

" همه‌ی تخم مرغها را در يك سبد نگذارید "

تجارب زندگی بجا آمده است که برای حصول اطمینان بیشتر در کارها و نتیجه‌گیری بهتر از کوششهای روزانه‌ی خود هرگز نباید فقط بیک راه حل اکتفا کرد و همه‌ی امیدهای خود را بر روی آن متمرکز سازیم بلکه راه‌های دیگر را نیز در نظر بگیریم. به همین جهت است که مثلاً ما به هنگام ملاقاتهای مهم خود تنها ساعت مچی نگاه نمیکنیم بلکه برای آنکه وقت صحیح را بدانیم و از هر لحاظ مطمئن شویم برادریونیز گوش میدهم و یاد رما فرتها نیکه با اتومبیل انجام میدهم پایش بینی پیشامدهای احتمالی، افزارهای مورد نیاز، تاییدکننده و مقداری بنزین اضافی یا خود بر میداریم. برای آپارتمان و یا کیف دستی و چمدان خود نیز دکلید تهیه میکنیم تا اگر یکی از آنها را بر حسب اتفاق گم کردیم، از کلید دوم به توانیم استفاده کنیم. برای بخاطر سپردن شماره‌ی تلفن دوستان، روز ملاقات و مطالب دیگر نیز تنها بحافظه‌ی خود متکی نمیشویم بلکه آنها را در تقویم بعلی و یاد ریاری دیکر یادداشت میکنیم.

اینگونه پیشبینی‌ها و محکم‌کاریها، اگر در کارهای روزانه‌ی ما جنبه‌ی احتیاط داشته و یا فقط بمنظور جلوگیری از تضییع وقت بعمل آمده باشد در رهنه‌نگاری و رهنه‌نیرو و براندازی از واجبات امر و اصول مهم کار بشمار میآید و گاهی ممکنست پیروزی و شکست گروههای براندازی با آن رابطه‌ی مستقیم داشته باشد. برای آنکه اهمیت و لزوم راه‌های اضافی بهتر روشن گردد مثالی میزنیم:

میدانیم که یکی از وظایف معمولی براندازان " دیدار " و ملاقات افراد همگروه است که طبق برنامه‌ای دقیق در روز و ساعت و جای معینی انجام میگیرد. اما از آنجا که ممکنست اجزای چنین برنامه‌ای بعللی برای یکی از دیدار کنندگان مقدور نباشد و یا در آخرین لحظات احساس کند که مورد تعقیب دشمن قرار گرفته است لذا همیشه برنامه‌های دوم و ویسنا سومی نیز در نظر گرفته میشود. حالا چنین فرض کنیم که شخص شما قرار داشته‌اید که ساعت ۱۰ صبح فلان روز در جلوسوی آرایشگاه " عشاق روحی " واقع در خیابان سپه که نزد يك خانه‌ی برادر شماست با همگروه خود ملاقات کرده و مبلغی پول و يك پیام کتبی را که روی کاغذ نازک و تاشده‌ای نوشته‌ود رته‌پاکت سیگار شما قرار داده‌شده است با و برسانید. بدین منظور ساعت ۸ صبح بیهانه‌ی خرید و سرزدن برادر خود از خانه بیرون آمده و یکسری فروشگاه‌ها و سردوسی میروید پس از خریدن چیزهایی مانند جوراب و دستمال و غیره ۲۰۰۰ ساعت ۱۰-۹ آماده‌ی خروج میشوید ولی ناگهان احساس میکنید که کسی از فاصله‌ی چند قدمی شما را زیر چشم میپاید حدس میزنید که مورد تعقیب قرار گرفته‌اید ولی هنوز مطمئن نیستید بدو آنکه بروی خود بیاورید چند دقیقه‌ای خود را بتماشای اشیا داخل فروشگاه سرگرم میکنید و از این طبقه بآن طبقه میروید و در همان حال نقشه‌ای برای شناختن تعقیب‌کننده و همکاریانش میکشید. در مرحله‌ی نخست سعی میکنید در باره‌ی خود او کاملاً اطمینان پیدا کنید و بدین منظور تصمیم میگیرید از فروشگاه خارج شده و او را بخیابان بکشانید و وارد خیابان فردوسی میشوید و بجای آنکه طبق نقشه‌ی اولیه خود روانه‌ی میدان حسن‌آباد بشوید، از فردوسی بالا میروید و پس از طی سی چهل متر بیهانه‌ی خریدن بلیط بخت‌آزمایی ناگهان در برابر یکی از دستفروشان توقف میکنید. طرز ایستادن شما طبعاً طور است که با سانی و بطور طبیعی میتوانید همه‌ی کسانی که بظرف چهارراه استانبول در حرکت هستند زیر نظر داشته باشید. در این اثنای میبینید همان شخصی که در فروشگاه مراقب شما بود و از این طبقه بآن طبقه به دنبال شما میآمده بیهانه‌ی محکم کردن بند کفش خود در فاصله‌ی ده پانزده متری بلیط فروشی میایستد و با همین صدانم کاری ساد و دست خود را رو میکند و حدس شما نیز مبدل بیقین میشود. از همینجا مبارزه‌ی شما با او و همکاریانش آغاز میگردد.

پیش از هر چیز از دیدار همگروه خود منصرف شده و در عوض میکوشد که از این فرصت طلائی برای شناختن بقیه ی دنیال — کنندگان و با اصطلاح ساواکیها افراد " تیم تعقیب و مراقبت " استفاده نکند . ضمن خرید بلیط میبینید که دنیال کشته ی شما ، بند کفش خود را محکم کرده و سیگاری آتش میزند و شما با آشنائی قبلی با شگرد های ساواک میدانید که آتش زدن سیگار نشانه ی جابجاشدن دنیال کنندگان است و از این لحظه بپسندید شخص دیگری که بدنیال همکار خود حرکت میکرد است مسئولیت تعقیب شما را بعهده خواهد گرفت . آرام آرام بطرف چهارراه استانبول براه میافتید و برای شناختن دنیال کننده ی دومی نقشه میکشید . پس از رسیدن به چهارراه خون سردانه بسمت راست خود نگاه میکنید اما اثری از دنیال کننده ی اولی نمیبینید . شناختن فرد و نیز در میان انبوه جمعیت ممکن نیست . از خیابان فردوسی گذشته و وارد استانبول میشوید و ناگهان ، بسرعت قدمهای خود میافزائید و بدو آنکه بعقب سرویا با طرف خود نگاه کنید با عجله بطرف " پاساژ گوشت " میروید و بیبهانه ی خریدن ماهی وارد نخستین دکان دست راست میشوید . در آنجا ضمن نگاه کردن به ماهی ها متوجه میشوید که جوانکی بسرعت وارد پاساژ شده و بطرف کوچه ی برلن میرود ! چهره ی او را بخاطر میسپارید (۱) و همچنان منتظر میمانید . لحظه ای بعد دنیال کننده ی اولی نیز با شتاب فراوان وارد پاساژ شده و بدنیال همکار خود روان میشود تا اینجاد و تن از دنیال کنندگان را شناخته اید اما بتجربه میدانید که دست کم یک نفر از آنان هنوز آفتابی نشده و در جای دیگری منتظر شماست . در این هنگام شما هم خرید خود را بپایان رسانید و مجدداً وارد استانبول میشوید . در اینجا معجزه کوچکی صورت میگیرد و ناگهان یک تاکسی خالی در جلوی پای شما ترمز میکند ! اما شما هشیارتر از آن هستید که بچنین دامی بیفتید و بویژه وقتی که حامل مبلغی پول و پیام مهمی هستید . لذا بدو لحظه ای تردد بطرف خیابان شاه آباد براه مسی افتید و بناچار آنقدر صبر میکنید تا تاکسی بیخطری در حال پیاده کردن مسافران خود پیدا شود . از فرصت استفاده کرده و خود را بلافاصله بدرون آن میچوینید . بغل دست راننده نشسته و از او میخواهید که به چهارراه پهلوی — ایستگاه اتوبوس های شمیران برود . ضمناً بیبهانه ی گذاشتن بسته های خریداری شده در صندوق عقب ، سر خود را برگردانید و با طرف نگاه میکنید . از پشت شیشه موتورسواری را میبینید که باد قوت کاملاً محسوسی بتاکسی شما چشم و خسته است ! برای آنکه در باره ی او نیز اطمینان حاصل کنید ، هر از گاهی بعقب برگشته و ضمن مرتب کردن بسته ها مسیر حرکت و فاصله ی او را در نظر میگیرید و در همان حال برای شناختن نقشه ای میکشید . بدین منظور از راننده خواهش میکنید که رازا گرفتن پول بیشتری مسیر خود را اندکی تغییر داد و او بتدو وارد یکی از خیابانهای فرعی شاه رضا و سپس یکی د کوچه ی تنگ و باریک دیگری بشود تا شما بتوانید ماهی خریداری شده را مثلاً بخانه ی خواهر خود تحویل دهید . چنانچه حدس زده بودید موتورسوار وظیفه شناس نیز همان مسیر را انتخاب میکند و با سهیل انگاری شگفت آوری خود را کاملاً لود کرده و با اصطلاح " میسوزانسد " چند دقیقه بعد در چهارراه پهلوی پیاده میشوید و در صف اتوبوس میایستید و یکبار دیگر موتورسوار مزبور را کدبالب و لوجه ی آویزان از کنار ایستگاه اتوبوس میگذرد بدقت برانداز میکنید . چهره و لباس او ، نوع و شماره ی موتور او را برای روزهای مبادا و آگاهانیدن یاران خود بیاد میسپارید . اندکی بعد اتوبوس شمیران میرسد و شما در حالی که از نتیجه ی کار آنروز و از داشتن وعده ی ملاقات و مبارفیت خود خوشحال هستید و بساعت و جای دیدار آید هی خود که قبلاً پیش بینی و تعیین شده است میاندیشید بسوی شمیران حرکت میکنید .

نمونه ی دیگری از اینگونه راهحلهای اضافی ، " داستانهای پوششی " و یا بزبان ساده تر بهانه های نیست کسده براندازان باید در هر موردی برای کارهای خود در نظر داشته باشند . در باره ی داستان پوششی بعد ایتفصیل بیشتری سخن خواهیم گفت معذالک در اینجا فقط اشاره میکنیم که در همین مثال یاد شده در بالا چندین داستان پوششی طبیعی و بدیرفتشی گنجانیده شده است یعنی مثلاً اگر شما بخیا بان سپه میرفتید و کسی اتفاقاً شمارا در آنجا میدید و میپرسید " در اینجا چکار میکنید ؟ " پاسخ میدادید : " میخواهم بخانه ی برادرم بروم " . رفتن شما بفروشگاه فردوسی و پاساژ گوشت و کوچه های فرعی شاه رضا نیز هر یک دلیل قانع کننده ای داشت و فرضاً اگر راننده ی تاکسی هم ما مورد شمن بود (که احتمال آن باتوجه بمسافرانی که پیاده کرد و ضعیف بنظر میرسد) نمیتوانست در باره ی اقدامات شما تردد ی بخود براه دهد

(۱) — در باره ی اصول " چهره شناسی " بعد اسخن خواهیم گفت .

از آنچه که در بالا گفته شد لزوم طرح نقشه‌های یی‌دی و اهمیت راه‌حلهای اضافی در دیدارهای پنهانی بخوبی روشن میگردد. در کارهای دیگر براندازان چون ارسال پیام و اعزام پیک نیز از همین قاعده کلی پیروی میکنیم. برای نمونه اگر بخواهیم پیامی از اینجا بتهران بفرستیم نخست سعی میکنیم با فرستادگان يك کارت پستال معمولی از فرانکفورت بگیرند. آن آگاهی‌دهیم که مثلاً بفاصله شش روز (طبق قراری که قبلاً با او گذاشته‌ایم) پیام مهمی برای او (و یا ترجیحاً برای یکی دیگر از همگروهان او) که فرضاً در کرج زندگی میکند ارسال خواهیم داشت. سه روز پس از آن نامه‌ای برای خود او از کلن و سه روز بعد نامه اصلی را که پیام مورد نظر ما در آن با مرکب نامرئی نوشته شده است، از مونیخ بنشانی شخص دوم در کرج میفرستیم. بدینسان گیرنده (یا گیرندگان) کارت پستال و نامه‌های مزبور با توجه به تاریخ آنها میتوانند پیام اصلی را که فرضاً نرسیده و یا در تراز حد معمول رسیده است تشخیص داد و اقدامات لازم را در هر مورد بعمل آورند. در مورد پیک‌ها نیز چنانکه پیش از این اشاره کرده‌ایم همیشه (و یا دست کم در مواقع لزوم) از روش "کوپل" یاد و تائیدی استفاده میکنیم تا هم بتوانند در همه احوال مواظب یکدیگر باشند و هم آنکه اگر یکی از آنان بععللی قادر به انجام مأموریت خود نشود دیگری در هر حال بمقصد برسد و وظیفه‌ی خود را انجام دهد.

یکی دیگر از کارهای معمولی براندازان چاپ اعلامیه‌ها و روزنامه‌ها و دیگر انتشارات انقلابیست. در این مورد نیز باید حتی المقدور وسیله‌ی دی و می در نظر گرفت.

چنانکه پیاد در اید کشف چاپخانه‌ی حزب توده در چند سال پیش، رهبران آن حزب را با دشواری پیش بینی شده‌ی ای مواجه ساخت و چاپ روزنامه‌ی "مردم" درست در موقعیکه خوانندگان آن پیش از هر وقت دیگری بدان نیاز پیدا کرده بودند قطع گردید و حال آنکه سازمان جوانان و سازمان افسران حزب از مدت‌ها قبل با پیش بینی پیشامدهای احتمالی، وسایل چاپ پهلوی کمی اضافی برای خود تهیه کرده بودند و از همین وسایل بود که برای چاپ مجدد "مردم" استفاده شد. اینگونه پیش بینی‌ها مخصوصاً در ویرانکاری سودمند است. چنانکه میدانید برخی از ویرانکاران در بمبهای ساعتی خود گاهی در تا ساعت کار میگذارند تا اگر یکی از آنها بععللی از کار افتاد ساعت دیگر کار مورد نظر را انجام داد و انفجار در وقت معین صورت بپذیرد. ضمناً در چنین مواردی بجای يك بمب، دو یا چند بمب در جاهای مختلف کار میگذارند تا هر يك از آنها بفاصله‌های چند دقیقه از یکدیگر منفجر شود و افراد پلیس را که ممکنست بلافاصله برای بازرسی انفجار نخستین گرد آمده باشند از میان بردارد. هنگام حمله و یاد قاع نیز هرگز نباید تنها پیک سلاح بسند کرد بلکه در صورت امکان باید سلاحها و افزارها را با یکی از نارنجک و کارد و تناب و سیم و محلولهای شیمیایی و میله‌های کوتاه و سنگین آهنی در اختیار داشت. در اینجا باز بیاد خسرو روزبه میافتیم. همانطور که شنیده‌اید او در آخرین وعده‌ی ملاقاتی که با عظیم‌سکری آن "خائن سفله و تیره روان" گذاشته بود "تنها هفت تیزی با خود برداشته و نارنجکها را که در فعات قبل با خود داشت بر جای گذاشته بود" (۱) و بد بختانه "اسلحه‌ی او نیز با و وفا نکرد و از کار با زماند و وی در حالیکه از چندین جا مجروح گردید و بود بدست دشمن گرفتار گردید" (۲)

در کارهای دیگر براندازی چون بانکزی، دشمن‌ریائی، گریز از برابر دشمن، ایجاد نهانگاهها و غیره نیز همیشه باید راه‌ی دی و می را در نظر گرفت. یکی از دلایل تقسیم براندازان شهری بدسته‌ها و گروههای کوچک نیز همینست که همیشه دسته‌ها و گروههای دوم و سوم و چهارمی وجود داشته باشند تا اگر یکی از آنها بچنگ دشمن افتاد و یا از میان رفت دیگران بتوانند وظیفه‌ی خود را انجام دادند و تنبور انقلاب را همچنان گرم نگاهدارند. این موضوع، بویژه در مواقعی که دشمن پسران دستگیری‌تشی چند از براندازان برجز خوانی میبرد از دست و در گفتگوهای مطبوعاتی و تلویزیونی خود ادعای "ریشه‌کن کردن واز" میان برداشتن آنها را مینماید ضرورت حتمی دارد. در این هنگام است که گروههای ضربتی ذخیره باید پابسه میدان بگذارند و تبلیغات دشمن را نقش بر آب کنند. داشتن "راه‌حلهای اضافی" در مورد تشکیلات حزبی نیز واجد اهمیت بسیار است. چنانکه بتجربه‌ی دیده‌اید بسیاری از دسته‌ها، گروهها و احزاب سیاسی و اجتماعی و براندازی

(۱) - یادنامه شهیدان - ص ۵۷

(۲) - همان کتاب - ص ۵۹

کشورها ، پس از مرگ رهبر منحصر بفرد خود بیکبار از میان رفته و یا آنچه آنچنان پراکنده و سست و ناتوان شده اند که در حکم از میان رفتگانند . به همین جهت (و بدلیل دیگر) است که امروزه رهبری دسته جمعی مقبولیت بیشتری یافته و در بسیاری از موارد جایگزین رهبری انفرادی گردیده است .

از مطالب یاد شده در بالا نتیجه بگیریم :

- ۱ - داشتن راه‌حلهای اضافی یکی از اصول مهم و بسیار سودمند پنهانکاری ، پنهان‌نپژوهی و براندازیست .
- ۲ - در دیدارهای پنهانی ، فرستادن پیام‌ها ، گسیل داشتن پیدها ، بانکزنیها ، دشمن‌ربانیها و نبرد های تن‌بستن ، خیابانی و یارتیزانی همیشه باید نقشه‌ها و راه‌حلهای اضافی دیگری در نظر بگیریم .
- ۳ - در گروه‌هایی براندازی داشته رهبری دسته جمعی و تقسیم مسئولیت‌ها ، داشتن یکنوع راه‌حل اضافی است .

۱۲- زیاده روی

در اردیبهشت ماه ۱۳۴۶ چاپخانه‌ای که برخی از نشریات "مخفی" حزب توده در آن بچاپ میرسید توسط مقامات انتظامی "کشف" گردید. یکی از علل لورفتن آن زیاد روی در پنهانکاری بود که خود موجب جلب توجه دشمن گردید بود. روزی نامه‌ی اطلاعات در این باره چنین مینویسد:

"منزلی که چاپخانه نشریات حزب منحل شده (شعله جنوب و ضمیمه ماهنامه‌ی مردم) در آن مستقر بود در خیابان "خواجه نظام الملك"، کوچه زبیا نژاد (خانه شماره ۱۷) در ردیف شمالی کوچه واقع بود و عوامل حزب منحل شده توده به منظور مخفی کردن اعمال خود با سه لایه نایلونی تمام شیشه‌های پنجره‌های ساختمان را پوشانده بودند بطوریکه هیچ روزنه‌ای جهت مشاهده‌ی اعمال آنان از خارج وجود نداشت."

اینگونه وسواس و وقت زیاد ه از حد در کارها (ویا بقول آلمانی‌ها GRUNDLEICHKEIT) اگر در امور عادی سودمند باشد در پنهانکاری غالباً زیان بخش است و چنانکه در مثال یاد شده در بالا دیده شد گاهی خود موجب میگردد که توجه دشمن بدان جلب شود. برخی از براندازان با اعتقاد اینکه کار از محکم کاری عیب نمیکند بیشتر اوقات دست بکارهایی میزنند که آثار زیاد در روی آنها بخوبی آشکار است. مثلاً در آن واحد چندین نامرزیبا مستعار برای خود برمیگزینند ویا برای تعیین روز و ساعت ملاقات خود از فورمولهای پیچیده‌ی ریاضی استفاده میکنند ویا دست به "آرتیست-بازیها" می‌کود کانه و خنده‌آموزی میزنند و فی المثل برای آنکه شناخته نشوند چون کارآگاهان وطنی در آن رضا شاه روزنامه‌ها را بجلوی صورت خود نگاه میدارند ویا در هنگام غروب عینک درشت و سیاهی بچشم میزنند. چندی پیش یکی از دوستان ماضمن تعریف و تمجید از "محکم کاریهای" یکی از مخالفان رژیم چنین نوشته بود:

"..... فلانی اصولاً آدم محتاط و دقیق است و حساب همه چیز را دارد و برای آنکه گزکی بدست کسی ندادده باشد در کانش را عکسباران کرده است و اقعاً جایست که ببینی و بخندی بالای پیشخوان خود عکسی از محمد رضا آویخته است. طرف راست آن عکسی از فرح و بچه‌های آنها بچشم میخورد. ضمناً برای خالی نبودن عریضه تعالی از حضرت علی نیز در زیر همه آنها نصب شده است....."

اینگونه فریبکاریها اگرچه رحد خود لازم و سودمند است ولی اگر در آنها زیاد روی شود ویا برخلاف عرف و عادت و انتظار مردم ما باشد (مانند قراردادن تعالی حضرت علی در زیر عکس آقای "عاریا مهر") خواهنا خواه جلب توجه خواهد کرد و ممکنست نتیجه معکوس داشته باشد.

نمونه‌ی دیگری از زیاد روی در کارها استفاده‌ی نامرزیبا و بیجا و بیمورد از شگردهای پنهانکاری و عبارتت در بگریستن دستمال پسری است که در رد نمیکند مانند تغییر پوشاک و گرم چهره در مواردیکه اساساً لزومی نداشته باشد. نمونه‌های دیگر آن عبارتند از استفاده از اونیفورم نظامی برای مسافرتها یا داخل کشور، کنجکاوی زیاد ه از حد و بیمورد، استفاده کردن از رمز برای گزارش اخبار عادی، نوشتن نامه‌های عاشقانه با مرکب نامرئی و عبور از مرز بطور قاچاق در مواقعی که انجام دادن آن بنحوصادقانونی نیز امکان پذیر باشد. ویا تهیه چندین شناسنامه ویا گذرنامه و سند جعلی برای کسی که اصولاً بد آنها نیازی نداشته باشد.

نوع دیگری از زیاد روی در لهره و وسواسی است که برخی از براندازان تازه کار بهنگام دیدارهای پنهانی دست میدهند. اینگونه افراد معمولاً برخلاف دستورهایی که بدانان داده شده است چند دقیقه وحتی نیم ساعت زود تر از وقت تعیین شده

در " دیدارگاه " یا محل ملاقات حاضر میشوند ، مرتب ساعت خود نگاه میکنند و با بسیکاریک میزنند ، بالا و پائین میروند ، باین و آن خیره میشوند و هر رهگذر از همه جا بیخبری را جاسوس دشمن میپندارند . غافل از آنکه همین بدگمانی ها و بیپهود ها که ریه ها که خود نشانه ای از ضعف روانی و آشفتگی درونیست مشت آنان را باز خواهد کرد و چنانچه واقعات دشمن در آن حوالی باشد خواه ناخواه متوجه این امر شده و با سانی آنان را خواهد شناخت .

نکته ی قابل بهره برداری برای ما اینست که خود ساواک و کارمند آن نیز همیشه در چهار همین زیاد رویها بوده و هستند . چنانکه میدانید امروزه همه ی تاکسیرانان تهران ، ادارات چند گانه ی ساواک را که در گوشه و کنار شهر تهران واقع شده اند بخوبی میشناسند زیرا ساختمانهای مزبور که بعضاً محل کار و رفت و آمد صدها کارمند میباشد و در آنها اتومبیل جیب و لند رو روپیکان و آریا و شاهین در جلو و پیرامون آن توقف کرده است اولاً هیچگونه تابلوی نشانه ای ندارد و ثانیاً همه پنجره های آن از بیرون با کرکره های حصیری پوشانیده شده است و ثالثاً کارمند آن که تقریباً همگی در یک ساعت معین و با فاصله ی زمان بسیار کوتاهی بد آن ساختمانها وارد و یا از آن خارج میگرددند برخلاف عرف و عادات ایرانی طوری رفتار میکنند که گوئی مطلقاً همه ی کارکنان آنجا را میبینند ، همین زیاد رویها در خارج از محیط اداری آنان نیز ادامه پیدا میکند و بهمین دلیل نیز در پیرامون خود را لومید هند و با اصطلاح " میسوزانند " . کارمند آن مزبور در داخل کشور بعلمت رعایت آنچه خود شان " حفاظت " مینامند ناگزیر رفتاری در پیش میگیرند که کاملاً غیر طبیعی و غیر عادیست مثلاً بتدریج و گاهی ناگهان و بیدلیل - از دستان و آشنایان چندین ساله ی خود میبرند و روابط خود را با آنان قطع میکنند ، از رفت و آمد های خانوادگی پامیکشند ، در دادن شماره ی تلفن خانه و کار خود آشکارا تردد میکنند ، روابط دوستانه خود را بجزرگی کوچکی از همکاران محدود میسازند تا بقول خود شان مجبور نباشند در پاسخ کنسائیکه بر حسب عادت و یا از روی کنجکاوی درباره ی نوع کار ، محل اداره ، حقوق و مزایا و تعطیلات تا بستانی و ضیبت های گاه و بیگاه آنان چیزهایی می پرسند " مرتباد روغ بگویند " . در محیط خانوادگی و بیرونه در برابر فرزندان خود نیز بناچار همین صحنه سازیها و دروغ پردازیهای بی نتیجه و غالباً ناهماهنگ تکرار میشود . در خارج از کشور ، زیاد رویهای آنان طبعاً جنبه ی دیگری پیدا میکند و بصورت انتقاد شدید از اوضاع داخلی و فساد دستگاه های اداری و سفارت و سرپرستی و بیویژه بدگوئی از شخص شاه و اشرف و خود ساواک در میآید و گاهی در اینکار چنان افراط میشود که بشکل يك نعایش کمدی در میآید . کوتاه سخن آنکه در کارهای براندازی ، مانند هر کار دیگری ، جانب اعتدال را نباید از دست داد و از زیاد روی های بیپهود و بیبجا و بیعورد باید خود داری کرد .

۱۳ - خودآموزی

" هر كه پايد راين كارنهاد پايد همه چيزيد اند واگرند اند
بيا موزد . من هر چه د راين جهان بينم بيا موزم چنانكه يك
زمان از آموختن خالي نباشم از بهر آنكه مرار روزي بكار آيد و
اگر آن كارند انم عاجز بمانم "

" سمك عيار "

د رگفتارهاي پيش كه د رباره بهگزيني سخن ميگفتيم بمسئله آموزش اشاره كرد يم و گفتيم كه مسئوليت آموزشي هر كس به عهد هي خود اوست زيرا براند ازي بمعناي امروزه آن بصورت دانش و فن ویژه وجد اگاهي د رآمد هاست كه بنوبه خود از ده هارشته ي علمي و فني د يگر چون فزيك و شيمي و پزشكي و روانشناسي و سپاهنگيري وغيره استفاد ه ميكنند و بهمين دليل نميتوان از سرد سته و يار هريك گروه براند ازي انتظار داشت كه د ر همه ي اين رشته هلي گوناگون استاد باحد و بتواند فوت و فن آنها را د ر فرصتهاي كوتاهي كه د ر اختيار د ارد بهمگروهان خود بيا موزد .

د رد نباله ي سخنان مزبور اينك اهميت و لزوم خود آموزي را يكار د يگر مورد تاكيد قرار ميد هيم و ميگوئيم كه بالا بردن ميزان كاري انقلا بي يكي از " پايد " هاي اساسي و بسيار سود مند براند ازي است زيرا بد ون آن غلبه برد شمن د ر ميدان جنگ و ياپيروزي بر او د ر " نبرد هوش " غير ممكن و ياد ست كم بسيار د شوار خواهد بود .

مقصود ما از خود آموزي را اينجا فر ا گرفتن آنگونه انستني ها يعني اصول و فنون و روشها يي است كه عملاً د ر كارهاي بر اند ازي مفيد باشد و بزبان د يگر بتواند مآلاً براند اختن و از ميدان برد اختن رژيم كنوني ايران و آزاد ساختن مردم كشور ما از زير يوغ استعمار كمك كند . خوشبختانه امكن چنين خود آموزيهاي د ر همه جا ود ر همه وقت هست و چنانكه پيش از اين گفتيم هر كس ميتواند (بشرط آنكه بمعناي واقعي كلمه دانشجو و پيرو هوشگرو " طلبه " باشد) - سطح آگاهي علمي و فني خود را بالا ببرد و رفته رفته بيك براند از كار آمد و " همه فن حريف " تبديل گردد .

يكي از نقاط ضعف اشكارا فاد ر گذشته همين بود كه كمتر با ينگونه كارورزيها و ياپوزشهاي فني و علمي توجه داشتيم و اگر بكسي بر نخورد پايد بگوئيم كه سوراخ د عار اگم كرد ه بود يم ! همه و شايد بيشتر اوقات فراغت ما صرف مطالعات تئوريك مي شد و ميدان " تئوري " و " عمل " تناسب د رست و منطقي وجود نداشت . و بهمين دليل نيز د ر روز نياز د ست و ياي خود ساخت بسته يافتيم . از اين گفته نبايد چنين نتيجه گرفته شود كه ما با آموزشهاي كه صرفاً جنبه تئوريك د ارد مخالف يم و ياي جائي براي آنها د ر فرهنگ براند ازي نميشناسيم بلكه فقط ميخواهيم سود حاصله از هريك از آنها را با توجه با احتياج كنوني رزم اوران كشور از يكسو و ضيق وقت و محدوديتها ي بيشمار خود از سوي د يگر بد رستي سنجيد هويد اوري بگذاريم . بزبان د يگر ما معتقد يم آنچه را كه عملاً بد ر د انقلاب و انقلاب بيون ميخورد پايد ب سرعت و علاقه ي هر چه بيشتر بيا موزيم و هر چيزي را كه د اراي چنين فايد هومزيتي نيست د رد رجه ي د وم فوريت و اهميت قرار د هيم . بعنوان نمونه ميتوانيم بگوئيم كه د ر شرائط - فعلي صرف وقت براي آموختن راه و روش جلوگيري از رخنه و نفوذ دشمن د ر صفوف مبارزان و ياد انستن اينكه نقاط ضعف دشمن و نرگجاست تا با وارد آوردن ضربه بان نقطه حد اكثر زيان ممكنه را بد شمن رساند ، به مراتب سود مند تر از انست كه وقت خود را بجمادات و بحث هاي بيثمر د رباره مسائل كم اهميت جنبش (كه ممكنست د ر د ايره كوچك فعاليت تعداد ي از مبارزان بسيار بزرگ جلوه كند) هدر د هيم . آنانكه جز اين مياند يشند يا اصولاً د ر باره ي معنا و فلسفه و هدف نهايي از براند ازي (بد انسان كه تعريف كرد ه ايم) اشتباه ميكنند و نميد انند كه نميد انند و يابعللي د روغ ميگويند و فريب مسي

د هند و می خواهند با ایجاد مشتی " کتاب پرست " و " دائرة المعارف سیار " از جوانان کشور آنان راه چنان سر گرم نگاه داشته و سرانجام بیپیراهه بکشانند .

بسیاری از شما مسلماً بیاد دارید که چند سال پیش بهنگام اوجگیری مبارزات ضد استعمارری مردم ایران و موقعیکه مادر يك وضع بسیار استثنائی قرار گرفته بود پیمومیبایستی از هر لحظه از اوقات خود برای پنهانپژوهی یعنی بی بردن بنیات و مقاصد دشمن و کشف توطئه های او و یا موختن فیت و فن براندازی و نبرد های خیابانی و آماد هگیریهای دیگری از این قبیل استفاده میکردیم گروهی از " روشنفکران " ما پابمیدان گذاشته و برای یاد دادن روش " تئوریک " مبارزه باد دشمن ما را ببازی شطرنج معتاد کردند !! یکی از افراد ی که خود را از " قربانیان " همین اعتیاد میدانند در این زمینه میگوید :

" اینروزها وقتی بآنهمه ساعات گرانبهای که برای غلبه برد و ستان حقیقی خود در صحنه شطرنج بههدرداد و بازیاد دشمنان واقعی ملت غافل ماند بودم میاندیشم سخت متأسف واندوهگین وحتی شرمندهمیشوم و بی اختیار بیاد این شعر سعدی میافتم که :

ما شب شد و روز آمد و بیدار نگشتیم !

بد بختانه امروزه نیز نمونه های بسیاری از اینگونه وقت گذرانیهای " روشنفکرانه " در اینجا و آنجا چشم میخورد و چنانکه میدانید کسانی هستند که خود را از بزرگترین انقلاب بیون می شمارند ولی عملاً هیچ کاری جز مطالعه انجام نمیدهند و در حقیقت بدون آنکه خود بدانند و یا توجه داشته باشند بیماری " کتاب پرستی " دچار شده اند . عیب بزرگتر برخی از این واعظان غیر متعظ اینست که اولاد یگران یعنی آندسته از رزم آوران دلییری را که عملاً پابمیدان مبارزه گذاشته اند نسا بخردانه سرزنش کرده و " ماجراجو " میخوانند و ثانیاً دانسته یا ندانسته در گرداب فضل فروشی و خود بینی و خود نمائی فرو میروند .

برای رفع هرگونه سوء تفاهم در این زمینه باید یکبار دیگر بگوئیم که مادرك تضاد های موجود در جامعه ، شناخت صحیح از تضاد های طبقاتی ، آگاهی از تجربیات انقلابی دیگران را یکی از واجبات مسلم کوششهای براندازی می دانیم . النهاییه همچنان معتقدیم که همیشه و بویژه در شرایط کنونی اولویت و اهمیت کارها را هرگز نباید نادیده گرفت . مطالعات و خرید آموزیهای ما باید همواره هدف سازنده و مثبتی در پی داشته باشد و عملاً سود مند و موثر واقع شود . گردد و گرنه این قافله تا بحشر لنگ خواهد ماند ! يك انقلابی راستین حق ندارد و نباید جز این بخواهد و یا ببندیشد . وظیفه ی فوری و حتمی او اینست که پس از گذراندن مراحل اولیه آموزشی و کسب آگاهی های تئوریک و سیاسی لازم ، بسی درنگ بر اعملی انقلاب گام بگذارد و بهر طریقی که بهتر میتواند امید اند بمبارزه برخیزد ، عمل کند و بهتر بیا موزد . همان شیوه ای که پسویان ها - صفائی فراهانی ها - احمدزاده ها و نابدل ها و ووو . . . عمل کردند و آموختند و یاد دادند .

خوشبختانه در سه سال اخیر برخی از گروههای براندازی داخل کشور با این امر توجه خاصی مبذول داشته و بر آن شد هاند که از هر فرصتی برای افزایش میزان کارائی انقلابی خود بهره برداری کنند . سعید محسن یکی از قهرمانان ارجمند سازمان مجاهدین خلق ایران از کسانی بود که با اهمیت خود آموزی بخوبی پی برد ه بود تا آنجا که حتی در قلمرو دشمن نیز از آن غافل نمی ماند . او " باعلاقه " خیلی خوبی در رسهای نظامی را فرا میگرفت و هرگز از آنها سرسریرد نمی شد . تیراندازی و پرتاب نارنجك و نگهبانی و راه پیمائی هیچکدام برایش مبتذل تلقی نمیشد . او میبایست از آنها استفاده می کرد ، مثلاً داوطلبانه سینه خیز از زیر سیمهای خاردار را پیش از یکبار انجام میداد و این کار را خیلی با نشاط و علاقه میکرد . فراوانند کسانی که در همین شرائط قرار میگیرند و هیچ استفاده مثبتی نمیکنند ولی او چنین نبود . مگر نه اینست که باید با همین امکانات موجود دست با انقلاب زد و مگر نه اینست که چنین کاری ممکن بود و هست ؟ * (۱)

برخی از یاران و از این نیز پافرا تر گذاشته و در راه بالا بردن میزان کارائی انقلابی خود بناچار بخارج از کشور و بهیسان پیکارجویان فلسطینی رفتند و پس از طی یک دوره کار آموزی با توشه های فراوان و پیرارجی از تجارب رزمی بکشوریازگشتند و به آموزش دیگران پرداختند . علی باکری که خود یکی از آنان بود در باره ی لزوم آمادگی انقلابی چنین میگوید :

(۱) - ارزندگی انقلاب بیون درس بگیریم ، از انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران ، ص ۳

" ما باید خود را بنقطه‌ای از آمادگی برسانیم که در صورت روبرو شدن با وقایح غیر قابل پیش بینی قادر به حفظ خود باشیم " (۱)
 مقصود از یاد آوری مطالب بالا اینست که نوع خود آموزی مورد نظر ما در اینجا روشن شده و تفاوت آن با آموزشهای
 صرفاً تئوریک مورد توجه قرار گیرد . روشهایی که میتواند در اینگونه خود آموزیها راهنمای ما بود و به ما کمک کنند
 عبارتند از :

یکم - بررسی اشتباهات . یکی از نخستین کارهایی که هر یک از گروههای براندازی پس از سورفتن و بسا
 بدام افتادن خود (و یاد یگران) باید انجام دهد ، بررسی علل و موجبات آنست . چنانکه پیش از این نیز گفته ایم
 هر یک از شکستها و ناکامیهای ما علت و با علل ویژه و غیر قابل انکاری دارد که در بیشتر موارد زائید هیند انم کاربها و سهیل انگاری
 ها و ساده پنداریهای ماست . برای نمونه دستگیری " گروه ۷۵ نفر " از مجاهدین خلق را مثال بزنیم . راستی را این
 است که چنین رویداد اسف انگیز و تکان دهنده ای معلول نادیده گرفتن اصول اساسی پنهانکاری بود هاست و نه " بد شانسی "
 و " بد بیاری " و بهانه های دیگر ! این نخستین باری نیست که همزمان ما با زیر پا گذاشتن و نادیده گرفتن اصول -
 بهگزینی ، مرزبندی ، رازداری و شوگرد های " ضد تعقیب " راه برد شمن گشاده و خود را گرفتار ساخته اند و چه
 بسا که آخرین آنهم نباشد ! وظیفه ی حتمی و بسیار فوری ما اینست که از این شکستها درس بگیریم و پیش از آنکه دشمن یکبار
 دیگر صاحبی مطبوعاتی و نمایش تلویزیونی ترتیب داد و مغروران را بر اشتباهات ما پوزخند بزند برفح آنها بکوشیم . اگر
 ما در کوششهای براندازی خود تازه کار و کم تجربه بود ه ایم دشمن نیز چند ان در روشهای " ضد براندازی " خود ورزیده و
 کار کشته نبوده است . دشمن همیشه از انم کاربها ی ما بهره برداری میکند و اگر ما بتوانیم با فرا گرفتن هر چه پیشتر و بهتر
 اصول پنهانکاری و بکار بستن هر چه لجوجانه تر ان جلوی اشتباهات خود را بگیریم ، راه جز خوانی و خود ستائی دشمن را
 نیز بسته ایم .

حالا که سخن از صاحبی مطبوعاتی و نمایشهای تلویزیونی میان آمد باید با اینموضوع نیز اشار ه کنیم که اینگونه
 صاحبیها برای خود ما منبع اطلاعاتی آموزنده ایست زیرا " مقامات امنیتی " برای بزرگ نمودن خود و کارهایشان
 نه تنها با آب و تاب فراوان بشرح و بسط شاهکارهای خود میپردازند بلکه ناگزیر بر اشتباهات ما نیز انگشت میگذارند و خواه
 ناخواه بسیاری از مطالب مورد نیاز ما را بر زبان میآورند . مطالبی که برای ما بسی آموزنده و عبرت افزاست و گاهی بیش از هر
 توضیح دیگری بفهم علل شکست و لورفتن همزمان ما کمک میکند .

دوم - مطالعه :

پس از جنگ جهانی دوم کتابهای فراوانی در باره ی فعالیتهای جاسوسی بزبانهای مختلف بچاپ رسید هاست که
 در هر یک از آنها مطالب جسته گریخته ای در باره ی پنهانکاری و شوگرد های آن یافته میشود . در چند سال گذشته نیز کتاب
 ها و مقاله های گوناگونی در باره ی جنگهای پارتیزانی ، چریک شهری ، ویرانکاری و دیگر شیوه های براندازی انتشار یافته
 است که در نوع خود بسیار پر ارزش و آموزنده اند . برای آندسته از ان ایرانی که بیکی از زبانهای اروپائی و به ویژه
 انگلیسی ، فرانسه ، آلمانی ، ایتالیائی و اسپانیائی آشنائی دارند امکان خود آموزی از راه مطالعه و کتب و -
 نشریاتی که بدین زبانها نوشته شده است در همه جا وجود دارد و به همین دلیل نیز ما فهرست کوتاهی از آنها را گرد آوری
 کرده و در پایان این کتاب آورده ایم . گروه افزونتر بر ان از ان ایرانی که در داخل کشور هستند و ممکنست بزبانهای اروپائی
 نیز آشنائی نداشته باشند بناچار باید از نوشته های فارسی استفاد ه کنند . چنانکه میتوانید حدس بزنید کتب چند انسی
 در این زمینه بفارسی نوشته و یا ترجمه نشده است و اگر کتابها و جزواتی را که ساواک برای آموزش کارمند ان خود از منابع انگلیسی
 و اسرائیلی و امریکائی اقتباس کرده است کنار بگذاریم ، تعداد کلیه کتابها نیکه در این زمینه بفارسی برگردانده شده و
 آزادانه بتوان آنها را از کتابفروشیها خرید شاید از شماره ی انگشتان دودست تجاوز نکند . معذالک نباید چنین شد
 شود که تعداد کتب مورد نیاز و قابل استفاد ه برای براندازان داخل کشور به همین انداز محدود میگردد . بسیاری از کتاب

ها هستند که ظاهراً هیچگونه ربطی با کاربرد ازی ندارند ولی در عین حال برای ما قابل بهره برداری میباشند مانند کتاب هائیکه مثلاً درباره‌ی کتکهای نخستین ، چهره شناسی ، " مقاومت منفی " ، عکاسی ، فن تعمیر رادیو ، جودو و کاراته ، کوهنوردی و غیره انتشار یافته اند . علاوه بر آن دو منبع دیگر وجود دارد که مخصوصاً باید مورد توجه براندازان داخلی قرار گیرد: یکی کتابها و جزواتیست که در زمینه های مختلف مانند اسلحه شناسی ، تیراندازی ، مواد منفجره ، فن دفاع از خود و غیره نوشته شده و در دانشکده های فاسری ، دانشگاه جنگ و یاد دانشگاه پلیسی و دیگر سازمانهای نظامی و نیمه نظامی کشور تدوین میشود . و دیگر مقاله ایست که گاه و بیگاه در باره ی مورجا سوسی ویا براندازی در روزنامه ها و هفته گئی نامه ها چاپ میرسد . گروههای سیاسی خارج از کشور و چریکهای داخلی نیز چندین جزوه و کتاب بسیار مفید در باره ی جنگهای چریکی و افور براندازی منتشر کرده اند که باید به فهرست کتابهای فارسی در این زمینه افزود شود .

یکی دیگر از وسایل خود آموزی ، فیلمهای سینمایی و تلویزیونیست که از تماشاها ی برخی از آنها نکات سودمند و درباره ی پنهانکاری و براندازی ، بویژه ویرانکاری و " ضد تعقیب " میتوان آموخت . تجارب گروههای انقلابی در کشورهای دیگر جهان نیز منبع جوشند و پیاپی ناپذیر است که برایگان و آسانی درد سترس همه ی براندازان قرار گرفته ومانیز بنوبه ی خود میتوانیم برای بالا بردن سطح آگاهی و دانش انقلابی خود از آنها استفاده کنیم .

سوم - آشنائی با شگرد ها و افزارهای نو - شیوه های پنهانکاری و پنهان پژوهی و براندازی همواره در حال پیشرفت و تکامل است . هر روز راه و روش بهتر و موثرتری باندیشه ی براندازان و یاد ولتیا ن میرسد و افزارهای موثر و دقیقتری بیازار میآید .

فرستاد ن روزنامه در میان عدلها ی پنهان و قماشها ی که در آغاز جنبش مشروطه یك نوآوری سودمند و جالب بشمار میآید امروزه دیگر مؤثر و مفید نمیتواند باشد . بکاربرد ن فرمولها ی مثلثاتی بعنوان رمز که در همین گذشته ی نزدیک " شاهکاری " محسوب میشد دیگر کسیرا بشگفتی نمایانند . " تماس های خیابانی " بمنظور مبادله ی پیامها نیز متروک گردیده و دیگر کسی مجبور نیست برای دادن و یا ستاندن يك تکه کاغذ ، بدیدار همگروه خود بشتابد و یا چنین کارناشیا نه ای هم خود وهم او را بخطر بیندازد . نوآوریهای فراوانی در رشته های پنهانکاری و بهره برداری از تکنولوژی جدید در کارهای براندازی ، شگرد های ناشناخته و افزارهای تازه ای در اختیار براندازان گذاشته است . در دوران " میکرو پونکت " و پیامهای " برق آسا " یراد پیوسته و در عصر " انفجار از راه دور " و " گلوله های بی صدا " دیگر نمیتوان پنهان کردن نامه در " عدل قماش " و یا بیرون کشیدن " پنجه بوکس " در مواقع خطر اکتفا کرد ! ما دیگر نمیتوانیم با چوب و چماق و سنگ بجنگ توپ و تانگ برویم . دشمن مزدور و خونخوار ما که تانسان مسلح شده است و گنجینه های از پولهای بی حساب و یاد آورد هوارتشی آراسته و پیراسته و هزاران کارشناس بیگانه در اختیار دارد ساعات مرگ خود را نزدیک میبندد و بهمین دلیل نیز از همه ی امکانات خود برای از میان برداشتن ما استفاده خواهد کرد . اوسالها پیش از ما یا شگرد های پنهانکاری و تکنیکهای ضد براندازی آشنا شده است و هم اکنون نیز با شتابزدگی فراوانی از هر فرصتی برای یادگیری شیوه های نو و بکاربرد ن افزارهای جدید استفاده میکنند . در چنین جنگ نابرابری ، تنها راه موفقیت ما ایتست که زود تر و سریعتر از او و به جنبیم و بیشتر یاد بگیریم و همیشه چند گام جلوتر از او باشیم . ما باید هر چه زود تر خود را با سلاحهای نو و شیوه های جدید جنگ آشنا کنیم . خوشبختانه امروزه بسیاری از شهرهای آمریکا و اروپا و خاور میانه و آفریقا بصورت آموزشگاهها و آزمایشگاهها ی براندازی وضد براندازی درآمد هاست و چنانچه ما بیدار و هشیار و علاقمند باشیم ، دیر یا زود آنچه را که میخواهیم خواهیم یافت . ندانستن و نا آگاه ماندن و بهره برداری نکردن از این همه امکانات بزیان ما تمام خواهد شد و بیروزی برد دشمن را بتأخیر خواهد انداخت .

برای آنکه اهمیت لزوم آشنائی براندازان با شیوه های نوروشن گردد موضوع هواپیما ربا نی را مثال میزنیم . چنانکه میدانید ریودن هواپیما و مجبور کردن دولتها و شرکت های هواپیمائی برگردن نهادن بخواستهای براندازان در چند سال گذشته رواج فراوان پیدا کرد و بصورت یکی از سلاحهای بسیار مؤثر علیه صاحبان آن بکار گرفته است (۱) .

(۱) - نخستین هواپیما ربا نی در ۱۹۳۰ در کشور پرو اتفاق افتاد . در سال مزبور گروهی از انقلابیون پرو هواپیمائی را قهراً بتصرف در آورد و از آن برای پخش اعلامیه استفاده کردند .

بمنظور جلوگیری از چنین خطری، کارکنان و کارآگاهان فرودگاهها از روشهای چهارگانه‌ی : بررسی پیشینه‌ی مسافران، دقت در واکنشهای روانی آنان پیش از سوار شدن به هواپیما - بازرسی چمدانها و جستجوی بدنی بتوسیله‌ی MAGNETOMETER استفاده میکنند . علاوه بر آن دسته‌ی از افراد پلیس و کارمندان اطلاعاتی خود را نیز جزو مسافران هواپیما " بر " میزنند و اخبار مربوط با آنها هم مخصوصاً با آب و تاب فراوان در روزنامه‌ها درج میکنند تا موجب ارباب ربایندگان احتمالی گردد . حال اگر کسی از اینگونه پیش‌بینیها و اقدامات احتمالی آگاهی نداشته و راه جدیدی برای مبارزه و خنثی کردن آنها در نظر نگرفته باشد با آسانی قبل از عمل و یاد رحین عمل لو خواهد رفت و نه تنها از انجام عمل مؤثری محروم خواهد ماند بلکه با هشیار دادن بد شمن اقدام مبارزان بعدی را مشکل تر خواهد نمود .

از مطالب یاد شده نتیجه بگیریم

- ۱ - فرد انقلابی بدون داشتن آگاهی تئوریک و سیاسی و درک صحیح از تضاد های موجود در جامعه فقط نظامی خوبی خواهد بود .
- ۲ - فرد مبارزی که فقط وقت خود را صرف مطالعه و بحثهای تئوریک مینماید کسی جز یک روشنفکر کتاب پرست نخواهد بود .
- ۳ - دور بودن از میدان مبارزه ، زندگی نکردن در شرایط سخت زحمتکشان و احساس نکردن دائمی فشارهای پلیسی و طبقاتی پاره‌ای از مبارزان را با نقلا بیهای تخیلی تبدیل مینماید .
- ۴ - برای جلوگیری از بی‌ثمری بایستی تئوری و عمل را در هم آمیخت و آنچه که عملاً برای حفظ انقلاب و انقلابیون ضروریست باید با سرعت و علاقه‌ی بیشتری آموخت .

۱۴- لورفتن

" قدرت او (ساواک) در ضعف وحشت انگیز
وی تجربه‌ی ماست " (۱)

با همه کوشش‌ها نیکه در هنگام به‌گزینی بعمل می‌آید و با همه دقتی که در رمزبندی اعمال می‌گردد و بررغم همه اندر زهائی که در باره " رازداری بود یگره‌موزینها نکاری داده میشود باز هر از گاهی تنی چند از براندازان "سو" می‌روند و یا خود و دیگران را "سو" می‌دهند. بدینسان همه رشته‌ها یکبار دیگر پنبه‌میشود، رازها بر ملا می‌گردد، بیکار جویان به زندان می‌روند و یاد برابر جوخه‌ی آتش قرار می‌گیرند. بالنتیجه شبکه‌ها از هم پاشیده میشود، عفریت ترس و ناامیدی و بدبینی در همه جا بال می‌گستراند و پیروزی نهائی بردشمن برای هزارمین بار بتأخیر می‌افتد.

برای بررسی این مسئله بسیار مهم و راه‌جلوگیری از آن نخست به "لورفتن" می‌پردازیم و برخی از علل و موجبات آنرا بشرح زیر مورد بررسی قرار می‌دهیم:

یکم - بد بیماری. مقصود از بد بیماری، پیش‌آمد ها و دیدارهاییست که پیش‌بینی و کنترل آن با آسانی و یا اعلا برای پنهانکاران مقدور نباشد. برای آنکه نمونه‌ای از این بد بیماری‌ها را بدست داده باشیم مثالی می‌زنیم. چنین انگارید که مثلاً خود شما می‌خواهید بطور ناشناخته با ایران بروید. بدین منظور همه‌ی مقدمات امر را بخوبی و یاد و رواندیشی بسیار فراهم کرده و با نام و مدارک ساختگی از مرز بازرگان گذشته و وارد کشور می‌شوید. پس از رسیدن بتبریز مجبور می‌شوید شب را در هتل متروپل بگذرانید. و پس از نامنویسی در دفتر هتل و گرفتن کلید روانه‌ی اطاق خود می‌شوید. در همین اثنای یکی از دوستان و همکاران قدیمی شما که اخیراً بتبریز منتقل شده ناگهان سر می‌رسد و شعرا را با صدای بلند بنام حقیقی خود تان صدا می‌زند. کارمند هتل که یکی از همکاران افتخاری "ساواک" تبریز است بلافاصله شستش خیرد ار می‌شود و مراتب را تلفنی بساواک خبر می‌دهد و بالنتیجه شما "لو" می‌روید! این یک نمونه ساده از بد بیماری است و چنانکه دیده میشود شما بدون آنکه ظاهراً کوچکترین اشتباهی کرده باشید بدام می‌افتید و بر چنین تصادفی جز "بد شانس" و "بد بیماری" چه نام دیگری میتوان داد؟ یکی از نمونه‌های تاریخی و فراموش‌نشده‌ی اینگونه بد بیماری‌ها در جنگ دوم جهانی این بود که پس از اشغال فرانسه بوسیله نیروهای آلمانی یکی از جاسوسان متفقین میخواست با چتر نجات در یکی از کشتزارهای فرانسه فرود بیاید، ولی در اثر وزش باد شدیدا کنترل چتر خود را از دست داد و در میان گروهی از افراد "اس-اس" (S.S.) آلمانی که اتفاقاً در همانوقت مشغول تماشای فیلمی در سالن سینمای تابستانی بودند پائین آمد! خود شما میتوانی وضع چتر با زمر بور و تعجب سربازان آلمانی را حدس بزنید.

انواع دیگری که بارها در گوشه و کنار جهان برای پنهانکاران روی داده و بعضاً با اندک بیدقتی و سهل‌انگاری نیز همراه بوده بسیار است و برای نمونه میتوان به‌گفتار شدن ناگهانی پاشنه‌ی کفشی که در آن پیامی گذاشته شده است و یا جدا شدن ته‌چمدان از بدنه‌ی آن و یا ویرآمدن سبیل مصنوعی کسی که خود را گریم کرده است و یا فرورودن انگشت از طرف یک پسر بچه‌ی بیکار و کنجکا و بدرون "سراخکی" که در آن میکروفیلمی "با مانیت" گذاشته شده و یا انداختن درختی که در رشک تنه آن یک پیام رمز و بلغی پول پنهان کرده‌اند یا تصادف کردن کسی که حامل یادداشتها و اسناد مهمی است با تاکسی

(مانند تصادف معروف مالی اوشی که در لندن لباس شوئی داشت و با سروان لود ویک جاسوس آلمانی که بعنوان یک نفر اسپانیولی در ماه مارس ۱۹۴۱ وارد نیویورک شده بود) ، و یا سخن گفتن بعضی از جاسوسان در خواب و نظائر آن اشاره کرد . نوع دیگر آن پیدا شدن نا بهنگام و غیر منتظره‌ی " سرخر " هاست که گاهی موجب لورفتن براندازان میگردند . یکی از نمونه‌های تاریخی آن در میان براندازان ما همانست که هنگام آزمایش نارنجک در دره‌ی لودر (چالوس) در اردیبهشت ماه ۱۳۳۲ اتفاق افتاد و مابلا بد آن اشاره کرد و ایم .

دوم - ولنگاری - فراموشکاری ، سهل انگاری ، بیدقتی و سر به هوا بودن یکی از بلاهای بزرگ پنهان کارانست و شماره‌ی نه چند آن کمی از ورزیدترین و کارآزمودترین جاسوسان جهان جان خود را بر سر این کار گذاشته‌اند . نوشتن و کندن و یاد و ختن حروف اول نام و نام خانوادگی بر روی قلم خود نویس ، انگشتر ، کیف ، چمدان ، کلاه ، و دستمال و سنگ کمر بند ، فراموش کردن نام ساختگی ، گم کردن کیف بغلی ، جا گذاشتن کیف دستی در توی تاکسی ، یادداشت کردن شماره‌ی تلفن هم‌زمان در دفترچه یادداشت ، بکاربردن دست راست بجای دست چپ (در مورد کسیکه قرار بود خود را بجای یک فرد چپول جا بزند) برگشتن ناگهانی بطرف صدا (در مورد کسیکه بگریه و ناله نداشتن زبان بیگانه تظاهر میکرد هاست) ، کنترل زبان خود را نداشتن ، فراموش کردن آداب و رسوم محلی و مانند ه‌های آن همه از مظاهر سهل انگاری و بیدقتی است .

از نمونه‌های تاریخی و بسیار جالب ولنگاری در مورد جاسوسان حرفه‌ای که منجر به لورفتن آنان گردیده‌است فقط بذكر چند موضوع زیر بس - می‌کنیم :

در سال ۱۹۲۸ یکی از جاسوسان شوروی در آمریکا شلوار خود را با توکشی می‌فرستد ولی فراموش میکند مدارکی را که بتازگی از یکی از مأموران خود دریافت داشته بود از جیب بیرون بیاورد . کارگزار توکشی برای آنکه بتواند شلوار را بخوبی اتو کند بناچار مدارک مزبور را از جیب آن بیرون می‌آورد و چون بد آنها ظنین میشود بلافاصله پلیس اطلاع میدهد و بدین سان صاحب آن بدام می‌افتد .

در سال ۱۹۵۳ نیز یکی دیگر از جاسوسان شوروی يك سکه‌ی ۲۵ سنتی را که توی آن برای گذاشتن میکروفیلم جا سازی شده بود اشتباهاً بجای يك سکه معمولی خرج میکند . سکه مزبور بدست يك پسر بچه روزنامه فروش می‌افتد و سرانجام در اختیار کارآگاهان اف - سی - ای آمریکا گذاشته میشود . تلاش سازمان ضد جاسوسی آمریکا برای پیدا کردن صاحب اصلی سکه تا مدت‌ها بجائی نمیرسد تا آنکه پس از چهار سال یکی از جاسوسان شوروی که با آمریکا پناهنده میشود راز آنرا برملا می‌سازد و در نتیجه آن سرهنگ رودلف ایوانویچ ابل ، سر استاد جاسوسان شوروی در غرب شناخته‌شده دستگیر میشود .

در آغاز جنگ دوم جهانی یکی از اتباع هلندی که برای آلمان نازی در انگلستان جاسوسی میکرد بیکی از مشروبات فروشیها رفته و با جومی طلبد ولی چون فروش مشروبات الکلی در آن ساعت طبق مقررات محلی ممنوع بود صاحب مغازه با وظنین شده و بلافاصله پلیس اطلاع میدهد و اندکی پس از آن جاسوس فراموشکار هلندی دستگیر میشود .

یکی از افسران آلمانی در بلژیک نقشه‌ای در اطاق خود نصب کرده بود که همه پایگاههای سری پرتاب بمبهای بالدار آلمان در آن با علامت مشخص شده بود ! ! در غیبت او یکی از جاسوسان دشمن وارد اطاق شد و نقشه را میدزد و در اختیار متفقین قرار میدهد .

چند سال پیش یکی از افسران سوریه‌ای مقیم ایتالیا بنام سرگرد فواد موضوع بسیاری و مهمی را که مربوط بحمل اسلحه و مهمات از ایتالیا بسوریه بود ظاهراً بصورت يك تلگرام ساده (غیر رمز) بر روی صفحه کاغذی نوشته و از کارمند هتل میخواهد که آنرا برای او مخا بر کند ! ! کارمند مزبور نیز چنین سند گرانبها را بید رنگ در اختیار مقامات اسرائیلی میگذارد و یکی در ورز بعد کشتی حامل اسلحه و مهمات که در یکی از بنادر ایتالیا لنگر انداخته بود بوسیلهٔ ساپوتورها مردان قورباغه‌ای اسرائیل منفجر میشود ! (۱)

سوم - بر جای گذاشتن "آثار جرم" پیش از این در این باره سخن گفته ایم و در اینجا تنها بد کر چند نمونه از آن میبرد ازیم تا عواقب آن بخوبی نمایان شود :

چنانکه در روزی نامه ها خوانده اید ، " مقام امنیتی " (۱) در یکی از نمایش های تلویزیونی خود " مدارك و اسناد عكس های جالی از فعالیت های دانشجویان عضو کنگد را سیون ارائه داد و نامه های متعدد دیرا که بخط پاره ای از دانشجویان بفارسی و آلمانی نوشته شده بود سبت مقامات امنیتی افتاد هاست قرائت کرد که همه د لالت بر فعالیت مضره " آنان میکرد " (۲) همو ، ضمن اشاره ب فعالیت های " سازمان انقلابی حزب توده " چنین میگوید :

" افراد ی از این سازمان د اثماً بچین اعزام میشدند و دره های مخصوصی راد رپکن و سایر مناطق چین طی مینمودند ، از مهد ی خانبا تا تهرانی عضو سازمان انقلابی که سالهایکی از فعالین درجه اول فد را سیون دانشجویان ایرانی در آلمان وابسته بکنغد را سیون بود عکسی موجود است که مربوط بدوران سفر وی بچین میباشد که با تفاق کمونیست های چینی کشورهای دیگر با ماثوتسه تونگ ملاقات کرده است "

" يك قطعه عكس كوروش لاشائی از گردانندگان اصلی این سازمان در لباس كردی و فتوكیپی پروانه عدم تعرض وی - صادره از طرف مقامات رژیم بعثی عراق مربوط بزمان اقامت وی در عراق ارائه میشود " (۳)

چهارم - بی احتیاطی . یکی از معمولی ترین علل لورفتن ، نادیده گرفتن اصول پنهان کاریست . برخی از همزمان ما بد بختانه گاهی اوقات خصلت دشمن را زیاد میبرند و فراموش میکنند که " دشمن ، دشمن است " و هرگز تخمیر ما هیت نخواهد داد و بهمین دلیل نیز از هر فرصتی برای شناسائی ، دام گستری ، تله گذاری و از میان برداشتن ما استفاد خواهد کرد .

یکی از نمونه های اخیر این بی احتیاطی ها توجه کنیم :

" پلیس شاه که از زمان روبروشدن با پارتیزانهای قهرمان سیا هکل و از آن پس غافلگیرشدن هر روزی ، سخت وحشت زد و خونخوار شد هاست ب مجرد فهمیدن رابطه " انقلابی افراد این گروه (گروه آرمان خلق) بخانه کریمی هاریخت و همه رازن و مرد دستگیروزندانی نمود . برادر کوچکتر ، ناصر کریمی ، چند ی پس از دستگیری د زیر شکنجه های وحشیانه ، سازمان امنیتی شاه شهید شد . جسد این جوان انقلابی را بخانواده اش دادند . این عمل خود دام نهادن بیشرمانه ای بود از طرف پلیس . در مراسم سوگ کریمی شهید ، ده ها نفر از رفقای پیشرا که بخاطر بزرگداشت راهش گرد آمده بودند دستگیروزندانی کردند و اینبار پس از چند روز برادر دیگر همراه با چهار همبردر د لیرش بجوخه " آتش سپرد هشد " (۴)

پنجم - سانسور . یکی دیگر از موجبات لورفتن براندازان ، سانسور نامه ها ، تلگرامها و بسته های پستی آنان بدست دشمن است . پیش از آنکه در باره سانسور راههای مبارزه با آن سخن بگوئیم بهتر است واژه ی - " پیام " را تعریف کنیم . مقصود ما از پیام هرگونه گفته و یا نوشته و یا چیزیست که حاوی خبر یا رازی بود و بصورت شفاهی و یا کتبی و یا بانساند ادن برخی از علائم و یا از طریق راد یوویا بصورت عکس و فیلم میان براندازان مبادله گردد .

ساده ترین و ابتدائی ترین پیامها پیامزبانی یا شفاهیست که در بیشتر موارد مطمئن ترین آنهاست بشمار میرود اما اشکال کارد را اینجا است که :

يك - امکان پیدا کردن شخص واسطه ای که مورد اطمینان طرفین بود و در عین حال از طرف دشمن نیز شناخته شده باشد . در همه جا وجود ندارد ،

دو - پیامهای شفاهی غالباً در مسیر راه خود تخمیراتی میابد و میزان این دگرگونیها گاهی باندازه ایست که با

(۱) - بتوضیحات مادر بند ۷ پیشگفتار توجه داشته باشید .

(۲) - "کنغد را سیون دانشجویان چیست و چه میخواهد" - خواندنیها . شماره ی ۳۳ - سال ۳۱ ص ۵۲

(۳) - خواندنیها . شماره ی ۳۴ سال ۳۱ . ص ۵۳

(۴) - باخترا امروز . سال دوم . دوره ی چهارم . ص ۱

منظور گویند و اصلی متفاوت میشود

سه - همه‌ی افراد دارای حافظه‌ی نیرومند نیستند ،

چهار - تشریح شفاهی برخی از مطالب فنی و دقیق که مثلاً احتیاج بعکس و نقشه و انگاره دارد عملاد شوار خواهد بود ،

پنج - در برخی از موارد مهم و حساس (مانند تعیین مسئولیت هریک از گروه‌های شرکت کننده در حملات نظامی در پیام‌های نیکه‌ی خط و امضای رهبران مسئول نوشته‌شد و باشد اثری هست که در گفته‌های یک پیام‌رسان عادی نیست ، و بالاخره اینکه ،

شش - امکان دستگیری پیام‌رسان و نرسیدن پیام بشخص و یا اشخاص مورد نظر همیشه وجود دارد و چنین پیش آمدی در کارهای دسته‌جمعی که مسئولیت‌های هرکس دقیقاً وجد اگانه تنظیم گردید و جزئی از برنامه‌ی کلی کار را تشکیل میدهد عواقب ناگواری خواهد داشت .

به همین دلیل است که خواه‌ناخواه از پیام‌های نوشته‌استفاد میشود اما اشکال کار باز در اینجا است که پیام‌های مزبور نیز ممکنست بدست دشمن بیفتد ، از اینرو بمنظور مبارزه با دشمن و جلوگیری از دست یافتن او بنامه‌ها و نوشته‌های دیگر شگرد‌ها و روش‌های گوناگونی از روزگاران باستان تا با روزگار برده‌شد است که چگونگی آنرا باید در تاریخچه بسیار جالب و خواندنی " پنهان‌نویسی " که خود یکی از فنون مهم پنهان‌کاری و شامل انواع بیشمار رمزها و مرکب‌های نامرئی است مطالعه کرد . معذالک برای آشنائی با سابقه " پنهان‌نویسی در کشور خود ما ، یکی در نمونه‌تاریخی از آنرا که در تبیین سادگی و ابتدائی بودن ، آموزش و نیز میباشند از زبان هرودوت نقل میکنیم و بدینوسیله : پس از آنکه دشمنان نقطه‌ی حمله بیونان را کشید یکی از یاناهندگان یونانی در ایران ، موفیوعرا بوسیله پیامی که در روی لوحه‌های چوبی کند و در روی آنرا با موم پوشانید و بود به هم پنهان خود آگاهی داد . در همان ایام ، یکی دیگر از یونانیان حمله جالب تری بکار میبرد . اینست که موی سر یکی از بردگان را بپنهان‌نویسی در زمان کردن بیماری او میتراشید و پیام خود را بر سر او خالکوبی میکرد . پس از آنکه موی سر بردگان از مکه‌فای دراز میشد و روی پیام را میپوشانید و بر این منظور بود او ای کاملاً بیونان میفرستاد . در آنجا موی سر او را بیک باردیگر میتراشیدند و پیام خالکوبی شد و میخواندند . نمونه‌ی دیگری از شگرد‌های آنروزی که امروزه نیز بکاربرد میشود رمز " کمر بندی " یا " مارپیچی " است که در آخرین جنگ میان ایران و یونان نقش بسیار مؤثری را بازی کرد بدین ترتیب که " لیزاندر " یکی از سرداران بزرگ اسپارت با خواندن پیام رمزی که بر کمر بند یکی از سربازانش نوشته‌و برای او فرستاده شد به بود از نقشه حمله ایرانیان بموقع آگاهی یافت و با پیشدستی بر سپاه ایران ، پیروزی بزرگی که بگفته‌ی یکی از تاریخ‌نگاران " سرنوشت جهان متمدن آنروز را تعیین کرد " نائل آمد .

با گذشت زمان فن مبادله پیام‌ها تکامل بیشتری یافت و بی بردن بآنها نیز طبعاً دشوارتر شد . اما از آنجا که هر شگردی ضدی دارد ، در فن کشف پیام‌ها نیز زرفته‌رفته پیشرفت‌هایی حاصل گردید و خود بصورت دانش جداگانه‌ای درآمد . پنهان‌کاران جهان علاوه بر استفادهاز پرچم و آئینه و چراغ که از دیرباز معمول بوده‌است در صد پیداکردن راه‌های بهتر و کم‌خطر تری برآمدند . اختراع دوربین عکاسی و رادار یوکمک بسیار مؤثری در این زمینه کرد و نحوه ارسال پیام‌ها را بکلی دگرگون ساخت (۱) از اواخر سده نوزدهم جاسوسان کشورهای در حال جنگ اروپا پیام‌های خود را بصورت " میکروفیلم " یعنی فیلم‌های کوچکی که با سانی و بدون جلب توجه دشمن میان صحنه‌های جنگ رد و بدل میشدند آوردند . در جنگ دوم جهانی ، جاسوسان آلمانی این روش را تکمیل کردند و آن چیزی را که امروزه " میپو " یا " میکروپونکت " نامیده میشود بجهان جاسوسی عرضه داشتند . طرز تهیه این " نقطه‌های ریز " که برای نخستین بار بوسیله " پروفیسور ZAPP " استاد

(۱) - برای آگاهی بیشتر در این باره مقاله‌ی جالب : " تکامل بینظیر فن عکسبرداری " ترجمه از ریدرزد ایچست را در شماره‌ی ۴۸ سال ۲۷ خواندنیها بخوانید . در این مقاله از رشته‌ی الکتروفوتو - اپتیک واز " دوربین‌های عجیبی که قادرند از پشت یک دیوار قطور از داخل اطرافها عکسبرداری کنند " واز " دستگاه‌های بدون عدسی که قادرند اجسام را چند میلیون بار بزرگ کنند " سخن به میان آمده‌است .

انستیتوی تکنولوژی Dresden در سال ۱۹۴۰ مورد آزمایش قرار گرفت. پیش از آنچه در وهله اول بنظر می رسد ساده و کم خرج است. توضیح آنکه پیام نخست روی یک صفحه کاغذ مینویسند و یا ماشین میزنند و سپس از آن با دوربینهای مخصوص میکروفیلم مانند مینوکس (۱)، اگزکتا (۲) و یا کانتافلکس سوپری (۳) عکسبرداری کرده و آنرا پاره اندازده نیمه ای از یک تمبر پست معمولی در می آورند. در مرحله بعدی با بکاربردن دوربینی که ساختمان آن وارونگی میکروسکپی های عادی است از عکس مزبور مجدداً عکس دیگری بر می دارند که طبعاً بسیار کوچک خواهد بود. با این روش، مطالب نوشته شده روی کاغذ با اندازه یک نقطه ای چهار گوش کوچک (تقریباً همانند همین نقطه هائی که در این صفحه می بینید) در می آید. اینگونه عکس و یا نقطه ها را میتوان با سانی در زیر تمبری که بر روی پاکت زد، میشود پنهان کرد و یا بصورت نقطه ای در متن یک نامه معمولی بکاربرد. در صورت دوم نگاتیف عکس را نخست در توی محلولی از کلودین (۴) می اندازند سپس آنرا با استفاده از سرنگ، ای معمولی پزشکی که نوک سوزن آنرا مخصوصاً برید و صاف کرده اند از توی محلول بیرون آورده و با دقت لازم بجای نقطه ای در بالا و پائین و میان حروف کلمات فارسی (و یا حروف لاتین، عربی، ژاپنی، آلمانی و یا...) در الفباها و دیگر اروپائی) و یا در آخر جملات " میکارند" و آنگاه نقطه دیگری با ماشین تحریر بر روی آن میزنند و مجدداً اطراف آنرا پاره پاره بسیار نازکی از کلودین می پوشانند تا جای هرگونه خراش و اثری را که ممکنست در حین " کاشتن" نقطه و یا ضربه ی ماشین تحریر بر روی کاغذ مانده باشد از میان ببرند.

روش پرور فسوزاپ با همه سادگی آن تحول بزرگی در امر جاسوسی ایجاد کرد و مدت ها کارآگاهان و مأموران ضد جاسوسی کشورها و دیگر ابخود مشغول داشت تا آنجا که " ادگار هوور" رئیس سابق اف - پی - ای آمریکا در یکی از نوشته های خود از آن بعنوان " شاهکار جاسوسی دشمن" نام برده است. اندکی پس از آن، یکی از جاسوسان دو جانبه آمریکائی بدین آنکه چیزی از ماهیت " میپو" بداند بمقامات کشور خود هشدار داد که آلمانیها وسیله جدیدی برای مبادله پیامها اختراع کرده اند و مطمئن هستند که با بکاربردن آن میتوانند پیامهای خود را با مصونیت بهر جای دنیا بفرستند. تنها نکته مهمی که جاسوس مزبور از آن آگاهی پیدا کرد، این بود که در این روش جدید " تعداد بسیار زیادی از نقطه های ریز" بکار برده میشود. در ماه اوت ۱۹۴۱، کارآگاهان آمریکائی پس از یکسال و نیم کوشش بی اثر، شخصی را که بتازگی با آمریکا وارد شده و مورد سوء ظن قرار گرفته بود دستگیر کردند. هنگام بازرسی چند ان اویا کتی بدست آمد که تا اندازه ای غیر عادی و مشکوک بنظر میرسید، پاکت مزبور بلافاصله بازه پیشگاه اف - پی - ای فرستاده شد. سرپرست آزمایشگاه ضمن آزمایشهای گوناگونی که با آن بعمل آورد، نامه درون آنرا در برابر نور چراغ فرار داد و نور را بطور موثر بر آن تابانید. ناگهان نقطه کوچکی در آخر یکی از جملات نامه، برق مختصری زد و بدین ترتیب پاره از روی یکی از اسرار مهم جاسوسی در زمان جنگ برداشته شد.

اختراع راد یونیز بنوبه خود دگرگونی مهم دیگری در امر مبادله پیامها ایجاد کرد. چنانکه میدانید در جنگ جهانی دوم همها و بلکه صد ها ایستگاه راد یونی در گوشه و کنار دنیا سرگرم فرستادن اخبار صحنه های جنگ و گرفتن دستورها های لازم بودند. در بیست سال گذشته راد یونیز پیشرفته های شگفت آوری حاصل گردید و پد انسان که بعداً خواهیم دید امروزه مدت ارسال خبرها و راد یونی بسیار کوتاه شده و بیثباتیها کاهش یافته است. پس از ذکر این مقدمه کوتاه درباره انواع پیامها، اینک بموضوع اصلی سخن خود یعنی سانسور نامه ها، تلگرامها و نوشته های رمز باز میگردیم.

چنانکه میدانید یکی از وظایف غیر قانونی سازمان " امنیت" شاه، سانسور نامه های مردم است. بدین منظور بخشی بنام " بخش سانسور" (۵) در اداره کل سوم ساواک ایجاد کرده اند که برخی از کارمندان آن در ریستخانه مرکزی کار می

(۱) MINOX (۲) EXAKTA (۳) CONTAFLEX, SUPER B

(۴) - کلودین محلول بیرنگ و یا زرد رنگ و بسیار قابل اشتعالی است که از ترکیب نیترات و سلولوزد آمیزه ای از الکل و اترید است می آید و برای حفاظت پلاتهای عکاسی بکار برده میشود.

(۵) پاره ای از اسرار سازمان " امنیت" - ص ۱۰

کنند • علاوه بر آن از سه چهار سال پیش گروهی نیز بنام "خط شناس" که پرورش یافتگان مکتب جاسوسی اسرائیل - هستند پانان اضافه شده اند • وظایف سانسورچیان و خط شناسان مزبور "همکاران" دیگر آنان در شهرستانها که جموعاً کارمندان "اطلاق سیاه" ایران را تشکیل میدهند اینست که نامه های مشکوک را مورد بازرسی قرار دهند ! • روشها تیکه در این مورد بکار میبرند عبارتست از : (۱)

یک - سانسور مستمر - و آن کنترل نامه ها و تلگرامها ، کتابها ، مطبوعات و هرگونه نوشته ایست که به نشانی افراد - سازمانها - سفارتخانه ها و مؤسسات و مغازه های تیکه در "لیست سیاه" ساواک قرار دارند فرستاده و یا از طرف آن برای دیگران ارسال گردد •

دو - سانسور درخواستی (ویا انتخابی) و آن چنانکه از نامش پیداست کنترل نیست که بدخواست بختها ی گوناگون برخی از ادارات کل ساواک (مانند بخش جبهه ملی - حزب توده - دانشجویان خارج از کشور - روحانیون کارگران و غیره) در مورد فرد یا سازمان بخصوصی که مورد سوءظن قرار گرفته است انجام داده میشود • سه - سانسور نوبه ای - یعنی کنترلی که هر از چند گاهی بمنظور پیداکردن "سرنخ"ها در نامه های رسیده و یا فرستاده شده بمحل معینی اعمال میگردد •

چهار - سانسور اتفاقی (STICHPROBE) و آن کنترلیست بدون هدف و بی برنامه ای، حین و بگفته ی یکی از کارمندان ساواک "البختکی" که بدخواه خود آنان صورت میگیرد و گاهی نیز بنمناجیح غیرمنتظره ای میرسد. چنانکه در چند سال پیش منجر بکشف یکی از شبکه های حزب توده در اصفهان گردید • اینگونه کنترلهای اتفاقی با همه "قضای قورنکی" بودن آن ، خود انگیزه هائی دارد و معمولاً وقتی انجام میگیرد که :

الف - پاکت مورد بررسی بدلا یلی مشکوک و ناچور بنظر برسد (مانند پاکتی که مثلاً از یکی از کشورهای "هدف" - رسیده و یا بخط بچگانه و با اصطلاح "نپخته ای" نوشته شده باشد) •

ب - نشانی فرستنده نداشته باشد •

پ - از پاکتهای معمولی سنگین تر باشد یعنی توی آن نامه د یگرو یا چیزهائی مانند عکس - نقشه - اعلامیه گذاشته باشند •

ث - پاکت آن چاپی باشد (مانند پاکت بیمارستانها ، تجارتخانه ها ، دانشگاهها - بنگاهها ، مؤسسات ملی و دولتی)

ج - چند پاکت بیک خط نوشته شده باشد (مانند پاکتهائی که در رون آنها ، مثلاً اعلامیه ای گذاشته و روی آن بخط یک نفر نوشته و برای گیرندگان مختلف فرستاده شده باشد)

چ - کسی زیاد از حد معمول نامه دریافت کند

خ - نشانی گیرنده حسند و قیستی باشد

د - نشانی گیرنده ی اصلی در روی پاکت ذکر نشده باشد یعنی از شخصی که نام و نشانی او در روی پاکت نوشته شده

خواسته باشند که آنرا بگیرند ی اصلی برسانند (معمولاً با عبارت "وسیله ی آقای و یا جمله ی

زحمت کشید بدست . . . برساند)

پیش از آنکه در باره ی خط شناسی مطلبی بگوئیم باید بچند نکته بکوتاهی اشاره کنیم • یکی نوع کاغذ و قلم و مرکب است که در نوشتن بکار برده میشود و برای بی بردن و شناختن نویسنده ی آن از "سرنخ"های سودمند بشمار میرود • چنانکه میدانید نوع کاغذ (و یا کاغذ هائی) که در هر کشور تولید میشود با کاغذ کشورها ی دیگر اندک تفاوتی دارد و بیاد داشتن این نکته بویژه در مواقعی که از "آدرس واسطه" و یا "کشور سوم" استفاده میکرد در خور توجه وقت است • برای روشن شدن - موضوع مثالی میزنیم • چنینی انکارید که یکی از همزمان ماد ترکیه نامه ایراکه بر روی یکی از کاغذ های ساخت ترکیه نوشته است برای ما فرستد و از ما بخواهد که آنرا در رون پاکت دیگری (که طبعاً در اینجا تهیه شده است) گذاشته و از فرانکفورت

(۱) - مطالب مربوط بسانسور و خط شناسی را از جزوه ی رمز نویسی (انتشارات جبهه ملی ایران) گرفته و با اندک تغییری در اینجا آورده ایم .